



بررسی قانون وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر

۲۵ محرم الحرام سال ۱۴۴۲ هجری قمری (۱۰) اسد سال ۱۴۰۳

هجری شمسی

فضل غنی مجددی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مشخصات کتاب

| | |
|-----------|--|
| اسم کتاب: | بررسی قانون وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر |
| مؤلف: | فضل غنی مجددی |
| ناشر: | فقه اسلامی |
| طرح پشتی: | ترین بیان |
| محل چاپ: | کالیفورنیا، ایالات متحده امریکا |
| سال چاپ: | ۲۰۲۴ میلادی |
| حق طبع: | فقه اسلامی |

ادرس فقه اسلامی

201 Washington Blvd.,104
Fremont, California, 94539
Tel (510) 673-5264

E-mail: FazlGhaniMogaddedi@yahoo.com
www.IslamInfo.one

فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| 4 | مقدمه |
| 6 | بررسی قانون وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر |
| 13 | امر به معروف و نهی عن المنکر |
| 17 | شروط تغییر منکر |
| 19 | اصلاحات |
| 21 | فصل سوم: تعزیرات |
| 21 | احکام مربوط به حجاب زن: |
| 29 | صحابه از پوشیدن نقاب تعجب می کردند |
| 29 | آرایش روی زن در عصر رسالت: |
| 30 | رأی فقهاء و امامان مذاهب چهارگانه اسلامی و مفسرین |
| 33 | نقد احکام مربوط به حجاب زن |
| 35 | رأی و نظر مذاهب اسلامی در مورد حجاب و عورت جسم زن |
| 35 | اول: مذهب حنفی: |
| 37 | دوم: مذهب مالکی: |
| 37 | سوم: مذهب شافعی: |
| 38 | چهارم: مذهب حنبلی: |
| 40 | سخنی با خواهران |
| | مسئولیت محتسب در رابطه به موترهای مسافربری و باربری ، موتر |
| 41 | سایکل و سایر وسایط |

- 44 سد ذرائع
- 45 فساد جامعه
- 46 مسئولیت محتسب در رابطه با مطبوعات و اطلاعات
- 46 فقره 1 و 2
- 47 مسئولیت محتسب در رابطه به تجار، کسبه کاران و دهقانان
- 48 منع فروش اعضای بدن
- 49 فیصله مجمع فقهی کنفرانس اسلامی
- 49 اختلاط بین زن و مرد
- 54 مسئولیت محتسب به امر کردن مردان برای نماز
- 57 احکام مربوط به حجاب زن (صدای زن عورت است؟)
- 60 حکم شرعی در مورد سخن زدن بین دو جنس (مرد و زن) در صفحات اجتماعی
- 61 ماده بیستم:
- 65 هنر در عصر رسالت:
- 66 غناء در عهد رسالت
- 70 چرا فقهاء متأخر در مورد غناء از تشدد کار می گیرند؟
- 72 احتیاط در اصدار حکم حلال و حرام
- 73 ماده چهارم
- 74 ماده بیست و دوم:
- 75 مسئولیت محتسب در رابطه به منکرات خاص
- 76 ماده بیست و دوم

| | |
|----|---|
| 81 | مسئولیت محتسب در رابطه به مطبوعات و اطلاعات |
| 81 | موقف اسلام از مدنیت معاصر |
| 84 | تصویر در سنت نبی صلی الله علیه و سلم |
| 84 | تصاویر که ممنوع شده اند عبارت اند از: |
| 86 | آخر کلام: |

مقدمه

الحمد لله رب العالمين الذي بنعمته تتم الصالحات ، و الصلاة و السلام على
رحمة الله المهداة للعالمين و بعد

قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر را که از طرف وزارت عدلیه ترتیب و
امیر المؤمنین آنرا توشیح کردند مطالعه و بررسی نمودم و نظریات افغانان
را از طریق وسائل اجتماعی مانند تلویزیون و انترنیت و فیس بوک شنیدم و
خواندم. یک تعداد از هموطنان بدون اینکه قانون را مطالعه کرده باشند نظر
دادند و یک تعداد شدیداً مواد قانون را نقد نمودند ، متأسفانه تا تحریر این
مقدمه هیچکس در مورد منابع و مراجعی که قانون از آنها استفاده کرده است
بحث نکردند.

قانون به قرآن کریم و سنت نبوی و اقوال فقهاء خصوصاً فقه حنفی استناد دارد
و هر ماده و هر فقره بیک حدیث و یا یک قول استناد شده است. من به مراجع
و منابعی که در قانون از آنها استنباط شده بیشتر توجه کردم و ملاحظه
نمودم که مراجع و منابع فقهی و آیات قرآن کریم و سنت نبوی و اقوال فقهاء
مذهب حنفی در بسا موارد یا صحیح استفاده نشده و یا هم صحیح درک نشده
است.

قانون بیشتر به بحث فقهی شباهت دارد نسبت به قانون. بحث فقهی جالب
است و منعکس دهند روش علمی و فکری علمای امارت اسلامی و شخص
امیر المؤمنین میباشد. هر گروه و هر مؤسسه حق دارد تحقیقات فقهی خود
را طبع و به جامعه تقدیم کند. نقطه مهم در موضوع این است که بحث فقهی
برای انسان حق قبول و نقد و رد را میدهد و در نقد و عدم قبول البته با دلائل
قویتر انسان گنهکار و خارج از دایره اسلام نمی شود.

من بین « علم و جهل » قرار دارم و به اندازه فهم خود از نصوص اسلامی و مطالعات در قوانین مدنی و شریعت اسلامی خواستم تا قانون جدید را بررسی علمی نمائیم و نقاط مثبت و منفی ، قوت و ضعف منابع آنرا توضیح نمائیم و یقین دارم که علماء و قانون دانان تحقیق بنده را اصلاح و در تقویت آنچه صحیح است کوشیده ، تحقیق را علمی ترمی سازند.

بررسی قانون وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر

وزارت عدلیه قانون جدید وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر را تصویب و امیرالمؤمنین آنرا توشیح نمود و از تاریخ توشیح و نشر قانون در جریده رسمی قانون در قلمرو افغانستان تطبیق عملی می شود.

امیرالمؤمنین آخذ زاده هبة الله در سفر به ولایت فاریاب تاریخ اول سپتمبر 2024 امر به تطبیق قانون کرد و از تمام ارگانهای دولت خواست تا قانون را عملی سازند. روز جمعه 20 ماه سپتمبر 2024، امیرالمؤمنین در اجتماع بزرگ علماء در قندهار یکبار دیگر تأکید به تطبیق قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر کرد.

ماده اول:

قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر را در (1) مقدمه، (3) فصل و (35) ماده توشیح می نمایم.

ماده دوم:

این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و همراه با متن قانون متذکره در جریده رسمی نشر گردد.

حکومت روز چهارشنبه 21 اگست 2024 قانون را نشر نمود. در تدوین قانون از منابع مهم فقه حنفی استفاده شده است، و چنانکه در مقدمه قانون ذکر شده تمام مواد آن از فقه حنفی که مذهب رسمی افغانستان است انتخاب شده. در ماده (6)، قانون آمده: «وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر و سمع شکایات، مطابق احکام شریعت و فقه حنفی، به امر کردن معروفات و منع کردن از منکرات مکلف است». این ماده در پهلوی شریعت فقه حنفی را قرار داده، دیگر مذاهب اسلامی را در تدوین قانون نفی می نماید و از مذهب جعفری یاد نمی کند. از مطالعه مواد قانون باین نتیجه رسیدم که بعض مواد

قانون خصوصاً آن مواد که مربوط زنان و حجاب است در بسا موارد مخالف مذهب حنفی و موافق به مذاهب دیگر میباشد. در مورد حجاب مذهب حنفی نسبت به دیگر مذاهب آزاد تر است.

مسائل اجتهادی در داخل مذهب حنفی، نظر به شرایط زمان و مکان قابل تجدید و تغییر است و انکار در مسائل اجتهادی یک امر قبول شده در بین مذاهب اسلامی و فقهاء از قدیم الزمان تا عصر حاضر قابل قبول است. ممکن یک امر در یک وقت و یک مکان قابل قبول و اجراء باشد و در یک وقت دیگر و مکان دیگر نباشد.

قابل یاد آوری است که علماء افغانستان در فقه پیرو مذهب حنفی و در عقائد پیروی از مذهب امام ماتریدی می کنند، و با احترام به مذاهب اسلامی دیگر نمی خواهند از دائره مذهب حنفی خارج شوند.

هئیت تدوین قانون، سعی کرده تا از فتواها و نظریات قدیم داخل مذهب حنفی خارج نشوند و در تدوین قانون نظریات و فتواهای معاصر علماء مذهب حنفی را نادیده گرفته اند، همچنان بین نظریات شدید و معتدل مقارنه نشده، و نظریات و آراء متشدد بیشتر مورد نظر بوده.

در فقه اسلامی، دو مدرسه داریم: مدرسه عبداللہ بن عمر رضی اللہ عنہما که در اصطلاح فقهاء بنام مدرسه تشدد یاد میشود. (شداثد ابن عمر)، و مدرسه عبداللہ بن عباس رضی اللہ عنہما که بنام (رخص ابن عباس) یعنی آسانی ابن عباس.

ابو جعفر منصور (خلیفه دوم عباسی) از امام مالک دعوت کرد تا با استفاده از شداثد ابن عمر و رخص ابن عباس فقه جدید را تدوین کند. امام مالک الموطأ را نوشت، الموطأ کتاب معتبر در فقه تسنن بحساب می آید. در جریان بحث خواهیم دید که قانون بیشتر از شدتهای ابن عمر استفاده کرده و آسانی ابن عباس را نادیده گرفته است. نقص بزرگ در قانون استفاده از یک مدرسه مذهبی است و هئیت مذاهب بزرگ اسلامی را کنار گذاشته در

حالیکه تمام قوانین درکشور هایی اسلامی و افغانستان شامل آراء و اجتهادات مذاهب اهل سنت و جماعت میباشد و یک مذهب به تنهایی حل مشکلات قانونی در جوامع معاصر اسلامی نیست. قانون نمونه از روش فکری و برداشتهای علمای مربوط به امارت اسلامی میباشد.

بعض مواد قانون قابل قبول و اجراء است و این اولین قانون در تاریخ افغانستان معاصر میباشد که نظام امر بالمعروف و نهی عن المنکر، و مسئولیتهای محتسب را داخل قانون آورده، اما مواد بیشتر قانون اصلاً قابل تطبیق عملی نیست و اگر با استفاده از صلاحیت های که قانون به محتسب داده تطبیق شود، مشکلات اجتماعی را خلق و فتنه بزرگ در جامعه بوجود می آید.

سرپرست وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر بتاريخ 24 اگست 2024 در مورد قانون گفت: علماء میتوانند نظریات شانرا در مورد مواد قانون جدید ارسال دارند. این دعوت باید قبل از توشیح قانون میبود و نظریات علماء قبلاً گرفته می شد.

سخنگوی امارت اسلامی آقای ذبیح الله مجاهد در مورد قانون نظر حکومت را اینطور بیان داشت: قانون جدید مطابق شریعت و مذهب حنفی میباشد و هر نوع مخالفت با قانون، مخالفت با شریعت و مذهب حنفی است. آقای مجاهد بر خلاف گفتار وزیر دروازه مناقشه را در مورد قانون مسدود ساخت. قانون یک بحث فقهی جالب است، و از یک روش خاص فکری و فقهی نمایندگی می کند، هر بحث فقهی قابل نقد، قبول و رد میباشد و در دائره اسلام فقط قرآن کریم و سنت صحیح رسول الله صلی الله علیه و سلم معصوم است. فقهی و مجتهد یا در صواب میباشد و یا در خطأ. میخواهم توجه مسئولین امارت اسلامی و خصوصاً وزارت عدلیه و امر بالمعروف و نهی عن المنکر را به چند نقطه معطوف سازم:

1. قانون جدید ، بحث فقهی است نه شریعت و بین شریعت و فقه و قانون تفاوت زیاد است . بحث فقهی قابل مناقشه ، نقد ، توافق و مخالفت است . امامان مذاهب که در بین شان امام ابوحنیفه رضی الله عنه است معصومیت را بغیر از انبیاء علیهم السلام نفی می کنند و می گویند قول ما را قبول نکنید تا دلیل ما را نخوانید ، به عبارت دیگر دلیل و سند قابل قبول است .

2. أمير المؤمنين عمر بن الخطاب رضی الله قانون مهر را توشیح کرد ، در قانون جدید مهر بیشتر از چهار صد درهم منع شد . زنان در مقابل خلیفه احتجاج کردند . در محضر عام و در مسجد نبوی زنی به نمایندگی زنان خطاب به عمر گفت : خداوند یک (قنطار ذهب) را ذکر کرده . عمر گفت : زن در صواب است و عمر در خطأً . خلیفه زن را توبیخ نکرد و به اشتباه خود اعتراف نمود.¹

هدف از تدوین قوانین در اسلام ، آسانی و سهولت و از بین برداشتن مشکلات مردم میباشد ، در امور دینی تکالیف نیست مگر به نص صریح و صحیح . قانون نباید مردم را به اجرایی اموری مکلف و مامور سازد که شریعت مکلف نساخته است . اصل در تمام اشیاء (اشیاء نکره یا نامعلوم است و شامل تمام اشیاء می باشد) حلال است و حرام نیست مگر به آنچه خداوند متعال حرام ساخته ، لذا حرمت نیست مگر به نص صحیح الثبوت و صریح الدلالت² لذا انتخاب در شئون زندگی که حرام نباشد از حق انسان

¹¹ . قنطار واحدی از وزن است که در زمان های گذشته برای سنجش وزن اجسام سنگین به کار می رفته است . در برخی منابع اسلامی ، قنطار معادل 100 رتل یا حدود 43.3 کیلوگرام ذکر شده است . قنطار طلا به مقدار بسیار زیادی طلا اشاره دارد . در تفاوت بین بحث فقهی و شریعت اسلامی مراجعه شود به : فضل غنی مجددی ، شریعت اسلامی و قابلیت تطبیق در عصر حاضر ، طبع افغانستان و امریکا .

² . صحیح الثبوت : درست بودن یا ثابت بودن از نظر صحت ، سند معتبر و صحیح . صریح الدلالت : به معنی روشن و واضح بودن در دلالت یا معنا است .

است و انسان خودش میتواند روش زندگی شخصی خود را بسازد و انتخاب کند.

اکثر مواد قانون در صفحات مجازی و روزنامه ها و برنامه های تلویزیونی داخل افغانستان و خارج آن بحث و نقد شده است. اخیراً مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی در تحلیل هفته شماره (446) قانون را ارزیابی حقوقی و قانونی نموده که مطالعه آن مفید است. این ارزیابی بزبانهای دری، پشتو و انگلیسی است. متأسفانه اکثر نقد شفوی و احساساتی میباشد و کمتر به منابع فقهی در قانون بحث صورت میگیرد و تا نوشتن این تحقیق علماء و دانشمندان منابع و مراجع که از آنها در قانون استفاده شده نقد نکرده اند و دلایل ضعیف را به آوردن دلایل قوی و احادیث موضوعی و ضعیف را به احادیث قوی و متواتر مقارنه نکرده اند.

بیشترین مواد قانون که نقد شدید شده مربوط به قضیه سترزن و خصوصاً صدای زن و پوشاندن روی و دستان و پاها و عدم خارج شدن از منزل بدون محرم و آنهم در وقت ضرورت و عدم مشارکت زنان در مجالس عمومی و غیره.

مؤسسات بین المللی و کشورهای غربی مواد قانون که ارتباط به زنان است شدیداً انتقاد و دعوت به تجدید نظر کردند، گروه های سیاسی و نظامی مخالف امارت اسلامی که قدرت مخالفت علنی را با شریعت و تطبیق آن ندارند مخالفت شانرا با مواد قانون نشان دادند. این گروه ها بیشتر ماده (17) قانون که ارتباط به دوستی و همکاری با غیر مسلمانان است انتقاد می کنند. و اینطور تعبیر می کنند که هدف از منع دوستی و همکاری متهم کردن این گروه ها و مانع همکاری با خارجی ها برای مبارزه با امارت اسلامی است. وسائل اجتماعی خصوصاً صاحبان تلویزیون ها در داخل کشور و خارج آن ماده (19)، که مانع نشر عکس و منع نشر موسیقی و هنرهای زیبا بطور عموم می شود مخالفت نشان میدهند، و ماده 19 را مانع پیشرفت هنر ها می

دانند. بدون شک منع نشر عکس ذی روح مانع نشر برنامه های تلویزیونی می شود.

قانون جدید زمانی توشیح شد، که امارت اسلامی درکوشش برسمیت شناختن خود بود. قانون جدید سبب تأخیر اعتراف رسمی شد و اعتراف را تأخیر داد و مخالفین نظام را قوت بیشتر داد.

مشکل قانونگذاران و علماء در تدوین قانون عدم تدبر به آیات که از آنها در قانون استفاده شده میباشد، مقاصد آیات مورد توجه زیاد نیست. همچنان در استفاده از احادیث نبوی شریف، مقاصد حدیث مورد توجه نبوده و در استفاده از آیات و احادیث فهم زندگی معاصر مردم نیز مطالعه دقیق نشده است. در اصول فقه اسلامی قاعده ای اساسی است که: «إنه لافقه مع العجز عن فهم الكتاب و مع العجز عن فهم الحیاة نفسها»، فقه و دانش دینی بدون توانایی درک کتاب (قرآن) و بدون توانایی درک زندگی واقعی وجود ندارد. این عبارت تأکید دارد که فقه، یعنی فهم دین، نیازمند دو عامل اساسی است:

اول: توانایی درک صحیح قرآن کریم.

دوم: توانایی درک زندگی و واقعیت های آن.

به این معنی کسی که نتواند این دو جنبه را به درستی بفهمد، نمی تواند به فقه واقعی دست یابد. در تدوین قانون واقعیت های زندگی و تغییراتی که در حیات مردم افغانستان از اواخر قرن بیستم رخ داده توجه نشده است. از طرف دیگر در بین مسلمانان عمل کرد به آنچه نسبت آن به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم صحت دارد اختلاف نیست، فقط اختلاف در صدق آن است. این موارد البته مطابق اصول استدلال که امامان مذاهب وضع کرده اند میباشد. فهم مقاصد سنت در تدوین قانون اهمیت بیشتر از فهم معنی سنت و حدیث میباشد، قانونگذار باید مقاصد شریعت را که آسانی است در تدوین قانون مد نظر داشته باشد تا نشود زندگی را بالای مردم مشکل و سخت سازد.

مهمترین مورد در تدوین قوانین فهم احادیث در روشنی اسباب و مقاصد آن است. فهم صحیح از فقه سنت نبوی: نظر کردن در آنچه احادیث بناء یافته در روشنی اسباب خاص یا ارتباط به علت معین. نظر انداختن به عمق و دقت میتوان رعایت شرایط زمان خاص یا به هدف تحقیق مصلحت معتبر، یا جلوگیری از فساد معین، یا معالجه یک مشکل موجود در وقت آن را از احادیث استخراج کرد و نباید یک امر عام را خاص و یک امر خاص را عام ساخت.³

چنانکه قبلاً اشاره شد، «خبر واحد لا یفید الیقین»، خبر یا روایت نقل شده توسط یک نفر یقین و قطعیت ایجاد نمی کند. این جمله در علم اصول فقه و حدیث بیان می کند که روایاتی که تنها توسط یک راوی نقل می شوند، از نظر دلالت بر حقیقت قطعی نیست و اطمینان کامل به آنها نمی توان داشت، مگر آنکه شواهد و قرائن دیگری برای تأیید آن وجود داشته باشد. در خبر واحد فرق نمی کند که در احادیث صحیح و غیر آن آمده باشد.⁴

قوانین فرعی در دولت زمانی قوت می یابد که مستند به قانون اساسی کشور باشد و شرعی بودن اش ارتباط به قانون اساسی دارد نه به فرمان زعیم کشور و رئیس دولت به هر نام که باشد. قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر زمانی صفت قانونی را میداشته باشد که مبنی و استوار به مواد قانون اساسی باشد. چون قانون اساسی تا هنوز تدوین نشده و قوانین گذشته ملغی شده، لذا قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر فاقد صفت قانونی میباشد. بعد از این تمهید مواد قانون را به بررسی می گیریم. نقاط ضعف و قوت مراجع را مطالعه و نقد می شود.

³ دکتر یوسف القرضاوی، کیف تتعامل مع السنة النبویة، دار الشروق القاهرة، الطبعة الثانية 2002، صفحات 145-146.

⁴ محمد الغزالی، تراثنا الفکری می میزان الشرع و العقل، دار الشروق، الطبعة الثالثة 1992، صفحات 178-179.

امر به معروف و نهی عن المنکر

امر به معروف و نهی از منکر به امر قرآن کریم، و وظیفه هر مسلمان عاقل، بلغ و با فهم از نصوص شریعت و مقاصد آن یکجا با فهم حیات و زندگی مردم با در نظر داشت شرایط معاصر و تغییراتی که در روش زندگی مردم رخ داده میباشد.

قابل تذکر است که امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ و قوانین کشور های غیر اسلامی نیز وجود دارد. مثلاً: لوحه‌ امر میکند که در این جا موتر خود را ایستاده نکنید، این امر به معروف است، در صورت تخلف، پولیس موتر را به جای دیگر انتقال میدهد، این معنی منع از منکر است. در اینجا سگرت کشیدن ممنوع است، این امر به معروف است، در تخلف از آن انسان جریمه نقدی می شود. با وجود امر به معروف و نهی از منکر که اهمیت فوق العاده در جوامع پیشرفته دارد، وزارت خاص برای آن نیست.

استاد و نویسنده معروف اسلامی، فهمی هویدی در مورد اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر می نویسد: اصطلاح امر بالمعروف و نهی عن المنکر را بعض متدینین قسمی عمل کرده اند که ترس و پریشانی را در جامعه بوجود آورده. مامورین امر بالمعروف در بدل اینکه در پیشرفت و ترقی و صلاح امت کار کنند، در خیابانها مشغول روش مردم و لباس های شان هستند و بزرگترین کارشان امر به بسته کردن محلات تجارتنی در اوقات نماز است.

ساده جلوه دادن و کم اهمیت نشان دادن قییم و مبادی دینی ما را بین دو شر قرار داده: شر متدینین، و شر آنانکه منتظر هستند تا از موقعیت این متدینین کم فرهنگ استفاده کنند.⁵

⁵. فهمی هویدی، منکرات هذا الزمان، الجزيرة نت. 2012/1/10.

کم نظری بعض متدینین سبب و بی تفاوتی از منکرات عمومی و بزرگ که چلنج برای امت است، مامورین امر بالمعروف و نهی عن المنکر را مشغول منکرات خصوصی و کوچک کرده. از مامورین امر به معروف و نهی از منکر نمی شنویم که دعوت برای مبارزه با فقر، ظلم، بیکاری، فساد و سرقت سرمایه کشور و تعذیب مردم کنند، در بدل مشغول روش و سلوک اخلاقی شده اند. منکرات عمومی که اشاره شد، اختلاف اجتهادی و فقهی در مورد آن نیست در حالیکه منکرات خاص و کوچک محل اختلاف میباشد. اکثراً از محرّمات سخن می زنند و از آنچه مباح است کمتر حرف زده میشود.

مسئولین وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر مشاهده میکنند که هشتاد درصد باشندگان افغانستان زیر خط فقر زندگی دارند. بیکاری و فقر زندگی را مشکل ساخته، هزاران جوان افغان دست به مهاجرت زده اند و هر روز صدها افغان در راه مهاجرت کشته و یا زندانی می شوند. آیا از مصلحت ملت و مصلحت اسلام است تا خود را مشغول اموری سازیم که نه دنیا را آباد می کند و نه آخرت را. از فقه مصلحت و فقه ضرورت و فقه حال است تا مامورین امر بالمعروف و نهی عن المنکر مشغول حل مشکلات بزرگ در کشور شوند و امور کوچک را به آینده و برای مسئولین تعلیم و تربیه واگذار شوند.

در عصر حاضر تشکیل وزارت مستقل با مامورین زیاد و بودجه انگفت معنی ندارد، نظام معاصر با مؤسسات متعدد تأسیس شده و هر مؤسسه و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را دارد. احزاب سیاسی، جامعه مدنی، کلوپ ها سپورتی، مؤسسات ترانسپورتی همه وظیفه نهی از منکر و امر به معروف را دارند، عصر حاضر با تأسیس مؤسسات دولتی و خصوصی ضرورت به تأسیس وزارت مستقل برای امر بالمعروف و نهی عن المنکر ندارد.

استاد فهمی هویدی اضافه میکند که عمل تغییر منکر باید به عقل آگاه و هوشیار و بیداری باشد و چهار شرط دارد:

1. درک مقاصد علیا و متوجه بودن به آن. برای این مورد قرآن کریم قصه حضرت موسی و هارون را می آورد. زمانی که حضرت موسی از قوم خود دور شد، (سامری) قوم را اغواء کرد و به عبادات گوساله دعوت نمود. وقتیکه موسی علیه السلام برگشت و اوضاع را دید، از ریش و سر برادر گرفت و از موضوع سؤال کرد. هارون علیه السلام جواب داد: «یا ابن ام لا تأخذ بلحیتی ولا برأسی، اِنی خشیت ان تقول فرقت بین بنی اسرائیل و لم ترقب قولی» (طه: 94). هاروی گفت: ای پسر مادرم! ریش و سر مرا مگیر. من ترسیدم که بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و به سفارش من عمل نکردی. در این آیه، هارون علیه السلام از برادرش موسی علیه السلام می خواهد که او را به خاطر کوتاهی اش در جلوگیری از گوساله پرستی قوم، سرزنش نکند و توضیح می دهد که از تفرقه میان قوم بنی اسرائیل و از دست دادن اتحاد آنها بیم داشته است. این آیه مبارک نشان می دهد که هارون علیه السلام از بزرگترین منکر که شرک بود، به خاطر جمع قوم و عدم تفرقه سکوت نمود. قرآن این موضوع را برای اهل دعوت و مامورین امر به معروف و نهی از منکر ذکر میکند. چقدر موضوعات کوچک است که از بی دانشی سبب مصیبت بزرگ برای جامعه می شود. انبیاء علیهم السلام، از منکر بزرگ که نزدیک به شرک بود به خاطر حفظ وحدت مردم از صبر کار می گرفتند، اما ما بخاطر وحدت ملی حتی از منکرات بسیار کوچک نمی گذریم و می خواهیم وحدت ملی و اتحاد بین افراد جامعه را صدمه بزنیم.
2. بعض ضرورت ها خود را بالای واقعیت ها تحمیل می کند، و سبب مباح بعض محظورات می شود، برای فرد ضرورت هایش است و برای جامعه ضرورت های آن، مثل ضرورت های اقتصادی، نظامی و اجتماعی و این ضرورت ها احکام استثنائی را میخواهد.

3. عیب نیست که سکوت کرد از بعض منکر ، که ممکن تغییر آن سبب منکر بزرگتر شود ، و گرفتن به کمترین ضرر.

4. ضرورت مراعات سنت تدرج ، روش درجه بندی ، اسلام در آغاز مرحله توجه به تدرج در تمام امور داشت ، مثل فرائض مانند: نماز ، روزه ، جهاد ، تحریم خمر و تدرج در تشریعات و اجراء احکام⁶⁶

قضیه امر به معروف و نهی از منکر در این اواخر بیکی از قضایای مهم و خطرناک مبدل شده ، مهمترین مورد در این قضیه ، قضیه تغییر منکر با استفاده از فشار می باشد. سؤال مطرح می شود که کدام جهت حق تغییر را و در کدام وقت دارد؟

گروهی تغییر را حق فرد یا افراد میدانند به حدیث که امام مسلم در صحیح خود از ابی سعید الخدری روایت کرده استنباط می کنند. « من رأی منکم منکراً فلیغیره بیده ، فمن لم یستطع فبلسانه ، فمن لم یستطع فبقلبه ، و ذلک أضعف الإیمان ». کسیکه منکر را دید با دست خود آنرا اصلاح کند ، اگر با دست قدرت اصلاح را نداشت با لسان خود ، اگر قدرت با لسان را نداشت با قلب خود ، و این ضعیف ترین ایمان است.

از حدیث شریف استنباط می شود که تغییر سه مرحله دارد ، و هر مرحله برای خود اشخاص خاص را دارد . شیخ محمود شلتوت ، الامام الأكبر در کتاب خود بنام « من توجیهات الإسلام » ، می نویسد که تغییر با دست از صلاحیت حکام که قدرت تغییر را دارند است. تغییر با زبان ، از صلاحیت های علما دین و استادان تربیه و اهل منبر است. مرحله سوم قطع رابطه با اهل معصیت میباشد.

⁶⁶ فهمی هویدی ، همان مرجع.

شروط تغییر منکر

تغییر منکر شرایط خاص بخود دارد. علامه مرحوم دکتور یوسف القرضاوی شرایط تغییر منکر را اینطور بیان میکند:

شرط اول: اجماع به حرمت منکر باشد: یعنی منکر در حقیقت حرام باشد. منکر اولاً با دست تغییر داده شود، باز با زبان و اخیراً با قلب در صورت ناتوانی.

منکر نیست مگر آنچه (حرام) باشد، چه حرام در جمله کبائر و یا صغائر باشد. خداوند متعال می فرماید: «إن تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلاً کریماً» (النساء: 31). اگر از گناهان کبیره که از آن نهی شده اید بپرهیزید ما از دیگری های شما در گذریم و شما را به جایگاه آبرومندی (بهشت) داخل سازیم. الله متعال وعده میدهد که از منکرات کوچک در صورتیکه انسان از گناهان کبیره اجتناب کند می گذرد و وعده داخل شدن به جنت را میدهد. آیه مبارکه بهترین مصدر و مرجع برای منع منکرات می باشد.

مکروهات، ترک سنت ها و مستحبات داخل منکر نیست تنها و فقط گناهان کبیره و صغیره داخل منکر میباشد. پس لازم است که منکر به درجه (حرام) باشد یعنی انکار از نصوص محکم شرعی باشد، انکار آن بمجرد رأی یا اجتهاد که ممکن است خطاء باشد یا صواب یا با تغییر زمان و مکان و عرف و حال تغییر کند.

فقهاء در حکم تصویر (عکس، فوتو)، موسیقی، روی زن، تولی زن قضاء با هم اختلاف دارند، در صورت اختلاف در رأی فقهی لازم نیست دیگران را با استفاده از فشار مجبور به قبول کرد.

منکری که واجب است به وسیله فشار و قوت تغییر داد، باید منکر ثابت باشد و علماء به آن اتفاق نظر داشته باشند، در غیر آن دروازه شر و فتنه باز می شود.

شرط دوم: منکر ظاهر باشد

باید منکر ظاهر باشد، اما اگر انسان منکر را در خفا و سری انجام داد، جواز نیست که در مورد آن تجسس کرد و یا آله تجسس و کمره را گذاشت و یا به منزل شخص داخل شد. حدیث مبارک در این مورد واضح است «من رأی» یعنی کسیکه منکر را با چشم خود ببیند.⁷

محتسب را قانون ملزم به احترام و اجرای مواد قانون کرده، اما در بسیار موارد دست محتسب را باز گذاشته و صلاحیت های بیشتر برای محتسب داده، و صلاحیت قاضی و سارنوال و وکیل مدافع را محدود ساخته و برای محتسب حق زندانی کردن را نیز داده در حالیکه حکم زندان از حق قاضی و محکمه میباشد. در روشنی صلاحیتهای که قانون به محتسب داده، میتوان محتسب را بنام پولیس اخلاق شناخت نه مامور امر به معروف و نهی از منکر. قانون تفاوت شرایط قرنهای گذشته را با عصر حاضر مد نظر ندارد، یک حکم در گذشته برای اصلاح جامعه مفید بود، و اما در عصر حاضر ممکن مضر باشد و سبب فتنه و فساد و منکر بزرگتر شود.

در صفحات بعدی مواد قانون بررسی فقهی و علمی می شود.

⁷ .دکتور یوسف القرضاوی، احکام الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، برای معلومات بیشتر به سایت القرضاوی مراجعه شود.

اصلاحات

ماده سوم: فقره (9) تعزیر

فقره نهم اصلاحات حق تطبیق حکم تعزیر را برای محتسب داده و محتسب باساس این فقره حق تنبیه و زندان را برای چند روز و حق معرفی به محکمه را دارد. به این معنی که محتسب دست باز در بازرسی و اجراء آنچه خلاف شریعت است و در قانون معرفی شده دارد.

تعزیر را قانون باین معنی تعریف می کند: تأدیبی است که مطابق احکام شریعت اسلامی و این قانون، توسط محتسب در حالت انجام منکر علنی در حق الله، تطبیق می شود.⁸

فقهاء تعزیر را اینطور تعریف می کنند: تعزیر در لغت به معنای تأدیب، تنبیه است. در فقه اسلامی، تعزیر به نوعی از مجازات گفته می شود که مقدار و نوع آن در شرع مشخص نشده است و به نظر حاکم شرعی (رئیس دولت)، یا قاضی واگذار شده است.⁹

در تطبیق عقوبت تعزیری مصلحت جامعه در زمان تطبیق آن مدار اعتبار میباشد. تعزیر در تمام انواع جرائم و اعمال ممنوعه تأدیب و زجر را می خواهد، بغیر از حدود قصاص. جرائم در نظر شریعت محدود نیست، انواع مختلف و در زمانهای مختلف اشکال مختلف را دارد و به همین منظور شریعت عقوبت یا جزاء تعزیری را به ولی امر مسلمین تفویض کرده تا مطابق زمان و مکان و شرایط محیط و نتایج جرمه تعیین کند. حاکم صلاحیت دارد

⁸. الموسوعة الفقهية جلد 25، صفحه 296.

⁹. الدكتور وهبة الزحيلي، الوجيز في الفقه الإسلامي، الجزء الثاني، دار الفكر دمشق 1427
2006/، صفحات 421 تا 427

تا در یک عمل جزاء های مختلف را نسبت به اشخاص مختلف و درجه تأثیر
شان بالای جامعه صادر نماید.¹⁰

تعزیر از نصحیت تا اعدام ارتقاء می کند، بطورمثال اگر تجارت مواد
مخدره سبب مشکلات بزرگ شود، قاضی حق اصدار حکم تعزیری را تا درجه
اعدام دارد.

از تعریف فوق استنباط می شود که تطبیق احکام تعزیر از صلاحیت های
ولی امر مسلمین و قاضی با در نظر داشت شرایط محیط و عصر و درجه
منکر میباشد نه از صلاحیت های محتسب و مامورین امر بالمعروف و نهی
از منکر.

فقهاء مذهب حنفی در مورد درجات تعزیر می گویند که اعلی ترین جزاء یا
عقوبت تعزیر اعدام است، اگر جرم بزرگ باشد و ضرورت باشد تا آن را
سرکوب یا خاموش کرد، در این مورد اجتهاد فقهای حنفی مطلق و ثابت
است.¹¹

قانون در مورد تعزیر و جرائم اشاره به جرائمی میکند که از حق خداوند باشد،
نه به جرائمی که ارتباط به جامعه و افراد داشته باشد. قانون انواع و اقسام
جرائم که حکم تعزیر را می خواهد تفصیل و شرح نکرده و حق تعزیر را از حاکم
و قاضی و محکمه سلب نموده. این امر حالت بی نظمی قانونی و صلاحیت
های قضائی را بوجود می آورد و دست محتسب را باز می گذارد.

¹⁰ فتح القدیر و شرح الكنز للزیلعی، باب التعزیر، و الدرالمختار و رد المحتار 3/179.

¹¹ رد المحتار 3/179. همچنان دیده شود: مصطفی أحمد الزرقا، المدخل الفقهي العام،
الجزء الثاني، طبعة عشرة 1968/1387، فصل الفرع الثاني، صفحات 626-629،
همچنان: المواردی، الأحكام السلطانية، فصل التعزیر.

فصل سوم: تعزیرات

تعزیر توسط محتسب

ماده بیست و چهارم:

تعزیر بواسطه محتسب: این مورد شامل (7) جزء است (توصیه، تخویف (ترساندن) از عذاب الله، تنبیه و تهدید به الفاظ قهر آمیز، حبس از یک ساعت الی 24 ساعت در محابس عمومی، حبس از یک روز الی سه روز در محابس عمومی، جزایی که محتسب آنرا مناسب بداند و مختص به محاکم نباشد.

احکام مربوط به حجاب زن:

ماده سیزدهم:

حجاب شرعی را قانون اینطور تعریف میکند:

حجاب شرعی به لباسی گفته می شود که تمام بدن و روی زن را از نا محرمان می پوشاند، نازک، کوتاه و چسپ نباشد.

در ماده سیزدهم، احکام مربوط به حجاب لباس زنان اینطور معرفی شده:

1. ستر تمام بدن زن لازمی است.
2. پنهان کردن روی زن به سبب ترس از فتنه ضروری است.
3. صدای زنان (بلند خواندن آهنگ ها، نعت ها و قرائت در مجمع) عورت است.
4. زنان مسلمان مکلف اند که بدن و روی خویش را از مردان نا محرم پنهان کنند.
5. ستر زنان مسلمان و صالح از زنان کافر و فاسق از ترس فتنه واجب است.
6. نظر کردن مردان بالغ و بیگانه به بدن و روی زنان و نظر کردن زنان بالغ به مردان بیگانه حرام است.

7. هر گاه زن بالغ برای حاجت ضروری از خانه خویش بیرون شد، مکلف است که صداء روی و بدن خود را ستر نماید.

مواد فوق یک امر را حرام و یک مورد دیگر را واجب ساخته، واجب کردن یک امر و حرام ساختن یک امر اجتهادی در شریعت اسلامی و فقه اسلامی از حق و صلاحیت حکومت و اداره امر بالمعروف و نهی از منکر نمی باشد، حرام ساختن و واجب کردن باید به نص صریح و اجماع علماء امت باشد و در مواردی که نص صریح و اجماع نباشد واجب کردن و حرام ساختن شرعاً ممنوع است.

فقره هفتم دو قسمت در یک جمله است، (اگر) از حروف شرطیه می باشد، به این معنی که اگر ضرورت نباشد، زن حق خارج شدن را از منزل ندارد، و اگر ضرورت پیش شد باید در وقت تعامل با مردان بیگانه حرف نزنند و روی و بدن خود را ستر کنند به دلیل اینکه جسم و صدای زن عورت است، و کشف عورت در جمله گناهان کبیره به حساب می آید.

این فقره مخالف به (99) قاعده فقهی که تمام مذاهب اسلامی به آن اعتماد دارند می باشد. قاعده فقهی به این عبارت است: «الضرورات تبیح المحظورات»، به این معنی که در شرایط اضطراری، انجام امور ممنوع (محظورات) مجاز می شود. به عبارت دیگر زن در وقت خارج شدن از منزل برای اجرایی یک کار و عمل میتواند حرف بزند و لازم نیست روی و دستان و هر دو کف پا را بپوشاند. این حکم شامل رفتن به مکتب، پوهنتون، بیمارستان، دیدن اقارب، زیارت مریضان و غیره ضرورت های انسانی و اجتماعی می شود.¹²

¹² .الشیخ أحمد بن الشیخ محمد الزرقا، شرح القواعد الفقهية، دارالقلم، دمشق، الطبعة الثانية 2001/1422، القاعدة العشرون (المادة/ 21). القواعد الفقهية: هي اصول فقهية

برای واجب ساختن شکل لباس اسلامی (حجاب)، قانون استنباط به احادیث و اقوال فقهاء مذهب حنفی میکند. اما احادیث و آیات و اقوال فقهاء تحلیل و تفسیر موضوعی نشده و اکتفاء به ذکر نص شده است. لازم بود قانونگذاران محترم به احادیث و اقوال فقهاء که لباس اسلامی را طور دیگر تعریف می کنند نیز اشاره می کردند و ضمناً مقارنه شده و از بین نظریات نظر معتدل که مطابقت به شرایط عصر میداشت گرفته می شد.

بطور مثال ماده (6)، نظر کردن مردان بالغ و بیگانه به بدن و روی زن و نظر کردن زن بالغ به مردان بیگانه را حرمت میدهد یعنی حرام می سازد. نظر کردن مردان بطرف زنان ممکن است اگر روی و بدن زن پوشیده نباشد، اما سؤال در این است که نظر کردن زنان را بطرف مردان به کدام وسیله میتوان منع ساخت و حرمت داد؟ یقین است که زنان میتوانند از عقب حجاب نظر اندازند و در این حالت مرتکب عمل حرام میشوند.

عدم فهم از نصوص اسلامی عیب و مشکل نیست، اما خطاً در تفسیر نصوص عیب است، خطاً در فهم مقاصد نصوص مشکلات را خلق میکند. آنانکه اراده دارند تا خدمت اسلام و مسلمین را نمایند و احکام اسلامی را بالای مردم تطبیق نمایند برای شان واجب است تا از اشتباه و خطاً که سبب انحراف امت اسلامی میشود اجتناب و دوری کنند و کوشش کنند آن رأی را انتخاب کنند تا اسلام بصورت حقیقی به جهان معرفی شود، اگر اسلام و خصوصاً قوانین که در مورد زنان در قانون آماده به جهان و حتی مسلمانان بحیث دین الله معرفی شود، هیچ زن در دنیا حاضر نیست این نوع دین را قبول کند و یقین است که تعداد از زنان مسلمان نیز از دین الله مرتد میشوند.

کلیة فی نصوص موجزة دستوریة تتضمن احکاماً تشریعاً عامة فی الحوادث التي تدخل تحت موضوعها.

قواعد فقهی اصول کلی فقهی در متون هستند که به عنوان قواعد دستوری عمل می کنند و شامل احکام تشریعی عمومی در رویداد هایی هستند که تحت موضوع آن ها قرار میگیرند.

بعض علماء باین نظر و عقیده اند که اسلام زنا را حرام ساخته، و کشف روی زن سبب زنا می شود، پس باید روی زن پوشیده باشد تا مانع زنا شد. این باور سوء ظن به زنان و مردان مسلمان می باشد. امام محمد الغزالی معاصر این رأی و نظر را مناقشه و تحلیل کرده می نویسد:

اسلام کشف روی زن را در وقت بستن (احرام)، در عمره و حج، اوقات نماز های پنجگانه واجب می سازد، باید در حج و در وقت طواف و در اوقات اداء نماز روی زن پوشیده نباشد. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در مناسبت های عمومی مانند جشن ها، رویداد های دینی و فرهنگی و مساجد و بازار روی زنان را مکشوف می دیدند و امر به ستر و پوشاندن نمی کردند. باید با دقت به کتاب الله (قرآن) و سنت رسول صلی الله علیه و سلم به اطراف موضوع توجه بیشتر داشت. الغزالی در ادامه می نویسد:

اگر روی زن پوشیده باشد، مردان چشمان شان را از چه پائین اندازند؟ آیه شریفه می گوید: «قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک أزکی لهم..» (النور: 30). (ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت با زنان) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) آنان اصلح است.

در دو آیه (30-31 النور) خداوند سبحانه و تعالی مؤمنین و مؤمنات را یکجا خطاب می کند، و هر دو طبقه را به پوشاندن چشم امر میکند. خداوند امر به حفظ فروج می کند. در هر دو آیه مبارکه توجیه و توضیحات الهی که شامل دستورات اخلاقی و هدف زندگی از دیدگاه دینی می باشد می پردازد. در توجیه الهی مردان و زنان اشتراک دارند یا شریک اند و تنها مخاطب زن یا مرد نیست.

(غض البصر)، پوشاندن چشم، معنی آن بسته کردن کامل چشم و پائین انداختن نظر به زمین نیست. به همین منوال در مورد صوت (آواز) چنانکه در سوره لقمان آیه (19) آمده: «و اغضض من صوتک». ای سخن آرام بگو (نه با

فریاد بلند). معنی آن بسته کردن زبان و دوختن لبان از حرف زدن نیست، و صحبت کردن یا حرف زدن به حکم قرآن کریم عورت نیست و اگر می‌بوید قرآن کریم صریحاً بیان می‌کرد. غض البصر و غض الصوت معنی بسته کردن چشم و زبان را ندارد. نظر انداختن فقط به عورت مرد و زن جواز نیست.

رسول صلی الله علیه و سلم برای عائشه رضی الله عنها اجازه داد تا رقص احباش (حبشی‌ها) را تماشا کند، تماشا یعنی با چشمان باز نه بسته. مرد به آن قسمت از جسم زن که عورت نیست مثل روی، دستان، و هر دو کف پا میتواند نظر اندازد البته با حفظ اخلاق و دور از شهوت رانی.¹³

آیا مردان از برقه و نقاب چشمان‌شان را بسته و پائین اندازند؟ بستن چشم و نگاه کردن به نا محرم زمانی است که روی باز باشد چنانکه در حدیث شریف آمده: قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: «یا علی! لا تتبع النظرة النظرة، فإن لك الأولى و لیست لك الآخرة»، ای علی! نگاه خود را پشت سر نگاه دیگری قرار مده (از نگاه به حرام و یا نا محرم بپرهیز)، زیرا برای تو نگاه اول (تصادفی و غیر عمدی) است، ولی نگاه دوم برای تو نیست (یعنی تو مسئول نگاه دوم هستی و این گناه محسوب می‌شود).¹⁴

یک نظر، نظر دیگر را تعقیب نکند به عبارت دیگر یکبار که بطرف روی و جسم زن دیدی بار دیگر نبین. آیه فوق و حدیث برای زنان جواز می‌سازد تا روی‌شانرا نپوشانند و برای مردان توصیه می‌کند تا چشمان‌شانرا از نظرات شهوانی حفظ کنند و بطرف زنان نا محرم با احترام و ادب نظر اندازند. در اصطلاح وطنی مرد نباید چشم چران باشد.

¹³. سایت القرضای، 2024/2/9.

¹⁴. این حدیث در منابع مختلف حدیثی و اخلاقی ذکر شده است و بیانگر اهمیت کنترل نگاه و پرهیز از چشم چرانی است.

گروه که دیدن مرد بطرف زن و زن بطرف مرد را منع می کنند و جواز نمی دانند به این حدیث استنباط می کنند: « لا یراهارجل » ، زن را مرد نبیند. قانون حجاب امر بالمعروف و نهی عن المنکر باین حدیث استنباط می کند.

حدیث فاطمه بنت رسول الله که سؤال کرد: چه چیز خیر برای زن است؟ گفت: مرد را نبیند و مرد او را نبیند. علمای حدیث و فقهاء حدیث را بحث و مطالعه کردند و می گویند حدیث نه تنها سند آن ضعیف است بلکه معنی آن با ده ها حدیث دیگر در تعارض میباشد ، همچنان در تعارض به نص صریح قرآن کریم نیز است.

بعض از فقهای مذهب شافعی حدیث که زن مرد و مرد زن را نبیند استنباط می کنند از آنچه الترمذی از ام سلمة و میمونة - زنان رسول الله صلی الله علیه و سلم - روایت کرده اند. میگویند که رسول الله ما را امر به حجاب از عبد الله بن ام مکتوم کردند. گفتیم برای رسول الله: آیا او نا بینا نیست؟ گفتند: او نا بینا است ، اما شما بینا هستید.

حدیث فوق را علماء حجت نمی دانند ، حدیث خالی از عیب در سند و دلالت نیست و به درجه احادیث که در البخاری و مسلم مبنی بر جواز عدم پوشیدن روی آمده نیست. امام ابو داود حدیث ام سلمة و میمونة را مخصوص زنان نبی صلی الله علیه و سلم می داند. و ابن حجر می گوید که زنان نبی صلی الله علیه و سلم خصوصیت های خاص بخودشان داشتند.¹⁵

قول الله متعالی: « فمّن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءنا و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین » (آل عمران: 61).

¹⁵ . دکتور یوسف القرضاوی، فتاوی معاصرة ، الجزء الاول ، المكتب الإسلامی 2000/1421 ، صفحات 456-457.

و هرگاه که با تو (درباره عیسی) به مجادله پردازد بعد از آنکه (به احوال او) آگاهی کامل یافتی، در آن صورت بگو: بیائید فرزندان ما و شما، و زنان ما و شما و خود ما و شما را فراخوانیم و سپس با تضرع و التجاء به درگاه خداوند دعا کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان بخوانیم (این نوع دعا مباحله گفته می‌شود). مهم در آیه که ارتباط به موضوع بحث ما دارد دعوت زنان مسلمان و غیر مسلمان در مجلس عمومی شامل مردان مسلمان و غیر است می‌باشد، اگر اشتراک زنان مسلمان با مردان مسلمان و غیر مسلمان جواز نمی‌داشت، قرآن ایشانرا را از اشتراک منع می‌کرد و می‌گفت تنها مردان شما و مردان ایشان. قرآن کریم اختلاط زن و مرد را در مکان واحد و مجلس واحد مباح می‌سازد. روایات زیادی است که فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدود شرعی با مردان در تعامل بود.

در یکی از عیدها رسول اکرم صلی الله علیه و سلم خطبه کردند و راجع به شکایت زنان از شوهران شان صحبت نمودند. راوی حکایت می‌کند که زنان زیورات شان را صدقه کردند و در چادر بلال انداختند، راوی می‌گوید که زنان (سفعاء الخدین) یعنی رنگ روی شان بین سیاهی و سرخی بود. اگر روی زنان پوشیده می‌بود، از کجا فهمیده می‌شد که بین سیاهی و سرخی بود.

شیخان (البخاری و مسلم) از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت میکنند: زنی نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: یا رسول الله آمدم تا نفس خود را برای شما اهداء کنم. رسول الله صلی الله علیه و سلم بطرفش نگاه کرد و پسندش نکرد. در یک روایت دیگری یکی از صحابه با او ازدواج نمود. سؤال اینجا است که اگر زن نقاب می‌داشت و رویش پوشیده می‌بود چطور رسول الله چهره اش را تشخیص می‌داد.

جوانی از مهاجرین خواست با دختر از انصار ازدواج کند، موضوع را به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مشوره کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم

می دانست که چشمان دختران انصار کوچک است. رسول خدا برای پسر گفت: «أَنْظِرْ إِلَيْهَا فَإِنَّ فِي أَعْيُنِ الْأَنْصَارِ شَيْئًا». بطرف روی دختر نگاه کن و چشمان او را خوب ببین ، پیامبر جوان را متوجه چشمان دختر نمود. اگر روی دختر پوشیده می بود از کدام طریق جوان می توانست روی و چشمان او را ببیند.¹⁶

از موسی بن عبدالله از ابو حمید روایت است که رسول الله فرمودند: «هرگاه خواستید از دختری خواستگاری کنید ، مانعی نیست که او را ببینید و بطرفش نگاه کنید.»¹⁷

رسول الله صلی الله علیه وسلم در انتخاب شریک زندگی توصیه با چهار صفت میکنند و می فرمایند: «تَنْكَحِ الْمَرْأَةَ لِأَرْبَعٍ: لِمَالِهَا، وَ لِحَسْبِهَا، وَ لِدِينِهَا، وَ لِحَمَالِهَا». زن به چهار دلیل ازدواج می شود: به خاطر مالش، به خاطر نسبش (شرافت خانودگی اش) ، به خاطر دینش (ایمان و تقوایش) و به خاطر جمالش (زیبایی اش).

در ادامه حدیث رسول اکرم صلی الله علیه وسلم توصیه می فرمایند: «فاظفر بذات الدین تربت یداک» یعنی «پس کسی را که دیندار است برگزین که دستان (به نیکی و برکت) پر شود». در مورد جمال و زیبایی که در حدیث بدان اشاره شده ، زیبایی زن از دیدن روی ، دستان و پاهایش تشخیص می شود ، پس اگر روی پوشیده باشد چطور میتوان زیبایی و جمال را تشخیص داد؟¹⁸

¹⁶. سید سابق، فقه السنة، جلد دوم صفحه 19.

¹⁷. الدكتور وهبة زحيلي، فقه خانواده در جهان معاصر، ترجمه: عبدالعزيز سليمي، صفحه 76 و همچنان: فضل غنی مجددی، ازدواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی، امریکا 2018 ، افغانستان 2020.

¹⁸. فضل غنی مجددی، ازدواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی، طبع امریکا و افغانستان، فصل انتخاب دختر برای نامزدی.

صحابه از پوشیدن نقاب تعجب می کردند

أم المؤمنین عائشه رضی الله عنها روایت می کند که زنان نماز فجر را با رسول الله صلی الله علیه و سلم در جماعت اداء میکردند و اگر تاریکی فجر (شب) نمی بود رنگ و چهره روی شان معلوم می شد، به این معنی که تاریکی مانع دیدن روی زنان می شد نه نقاب.

ابو داود از قیس بن شماس رضی الله عنه روایت می کند که گفت: زنی با اسم «أم خلاد» نقاب داشت و نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد تا راجع به پسرش که در یکی از غزوات کشته شده بود سؤال کند. صحابه برای زن گفتند: آمدی تا از پسرت سؤال کنی اما چرا نقاب پوشیدی؟ این روایت دلیل بر این است که نقاب و برقه در جمله عبادات و اصول دین نبود، بلکه از عرف جامعه بود.

ارایش روی زن در عصر رسالت:

امام مسلم قصه «سبیعة بنت الحارث» را به این عبارت روایت میکند: سبیعة بنت الحارث حامله بود که بیوه شد، بعد از ولادت طفل برای نامزدی و ازدواج جدید آرایش کرد، در این وقت «ابو السنابل» یکی از صحابه به منزلش آمد و پرسید: آیا اراده داری تا ازدواج کنی؟ بخدا قسم ازدواج کرده نمی توانی تا چهار ماه و ده روز از عدت سپری نشود. سبیعة نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم رفت و در مورد عدت خود سؤال نمود. رسول الله صلی الله علیه و سلم جواب داد بعد از ولادت طفل میتوانی ازدواج کنی. سبیعة از سرمه و عطر برای آرایش خود استفاده کرده بود و ابو السنابل در جمله محارم او نبود.

اگر روی سبیعة پوشیده می بود ابو السنابل از کجا آرایش او را می دید، همچنان ابو السنابل که محرم او نبود بکدام حق داخل منزل او شد؟ این

حکایت بعد از حج الوداع بود باین معنی که حکم آرایش و زینت و عورت روی و دستان زنان نسخ نشده است.¹⁹

اسلام زینت را مشروع ساخته برای زنان و مردان، شریعت اسلامی فطرت زن را در زینت و جمال در نظر داشت و برای زنان انواع زینت را حلال و برای مردان حرام ساخت مانند: حرمت پوشیدن لباس ابریشم و طلا برای مردان و جواز آن برای زنان. اسلام بعض اشکال و انواع زینت که بیرون شدن از فطرت و تغییر در خلقت خداوند است حرمت داد. « ولأمرنهم فلیغیرن خلق الله » (النساء: 119). و بایشان دستور می دهد تا آفرینش خداوند را تغییر دهند. آیه مبارکه اشاره به امر شیطان می کند. امروز بعضی دختران و پسران هستند که با استفاده از سیانس جنسیت خود را تغییر می دهند. تغییر جنسیت در اسلام ممنوع شده.

یک زن در مسجد نبوی به حضور رسول الله صلی الله علیه و سلم حاضر شد و از شوهر خود شکایت کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم متوجه صحابه که در مسجد حضور داشتند و بطرف زن با تعجب می بینند شد. بعد از خارج شدن زن، رسول الله از صحابه دلیل تعجب شانرا پرسیدند. صحابه گفتند: یا رسول الله چرا زن روی خود را پوشانده بود. این روایت دلیل بر این است که در عصر رسالت نقاب یک امر غیر ضروری و غیر طبیعی بود، اگر نقاب و پوشانیدن روی زن یک امر دینی می بود، صحابه تعجب نمی کردند و برای زن نمی گفتند آمادی تا سؤال کنی و نقاب پوشیدی.

رای فقهاء و امامان مذاهب چهارگانه اسلامی و مفسرین

فقهاء مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت می گویند: روی زن عورت نیست و برای رأی خود دلیل از مفسرین می آورند. ابوبکر الجصاص از بزرگان مذهب حنفی در مورد تفسیر آیه (31 النور) می گوید: اصحاب ما منظور آیه

¹⁹ محمد الغزالی، السنة النبویة بین أهل الفقه و أهل الحدیث، صفحات 48-49.

را روی و کفان دست می دانند. کحل (سرمه) زینت روی ، حناء و انگشتر زینت دست است و دیدن به روی و دستان مباح می باشد.

القرطبی می گوید: در غالب روی و کفان دست است که ظاهر می باشد یعنی پوشیده نمی باشد ، مانند که در حج و اوقات نماز روی و دستان زن پوشیده نمی باشد.

الخازن از جمله علماء مذهب شافعی می گوید: در جمله مفسرین سعید بن جبیر و الضحاک و الأوزاعی می گویند: مقصد روی و کف هر دو دست است.

ابن قدامة از علماء مذهب حنبلی در « المغنی » که مرجع معتبر در مذهب حنبلی است می نویسد: همه جسم زن عورت است مگر روی و کفان دست.

در بین مذاهب چهارگانه ، مذهب حنفی کشف یا ظهور هر دو پا را با روی و دستان اضافه میکند و در این مذهب کف پا نیز عورت نیست.

محمد الغزالی بعد از بررسی و تحقیق آراء مذاهب می گوید: آیا دین خود را طوری معرفی کنیم که زندان برای زنان است؟²⁰

در مورد عورت روی و دستان و کف پای زنان علامه دکتور یوسف القرضاوی بحث فقهی مهم دارد. او در مورد عورت روی و هر دو دست و پا زن می نویسد:

هیچیک از علماء نگفته اند که روی زن عورت است. دلالتهای نصوص ثابت است که روی و دستان عورت نیست، و این مورد روایت شده از عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر و دیگر صحابه و تابعین و امامان. و ابن حزم در تفسیر (لیضربن بخمرهن) می گوید که کشف روی مباح است.

20. محمد الغزالی ، همان مرجع ، صفحات 44-52. / منبع حدیث البخاری و مسلم

حدیث البخاری از عبد الله بن عباس که در یکی از عیدها با رسول الله صلی الله علیه و سلم حاضر بود و زنان زیورات شان را صدقه می دادند، و ابن عباس دستهای شان را می دید باین معنی که دست زن عورت نیست. شریعت لباس زن را اینطور تعریف میکند:

- 1) تمام جسم زن را بپوشاند بغیر از روی و دستان.
- 2) نازک و شفاف نباشد.
- 3) زیبایی های جسم ظاهر نشود.
- 4) لباس مخصوص مردان نباشد.

غلو در شکل و مدل لباس زنان از عادت و رسم و روجهای مردم است و اسلام به آن امر نکرده. شریعت در وقت خواندن نماز در مساجد امر به عدم ستر روی و دستان میکند. در وقت حج و عمره و طواف و سعی (صفا و مروه) باید روی زن پوشیده نباشد. جمهور فقهاء پوشاندن روی زن را در این اوقات حرمت میدهند. حدیث البخاری که: «لا تتنقب المرأة المحرمة، و لا تلبس الققازین» ، زن محرم (زنی که در حال احرام برای حج یا عمره است) نقاب بر صورت نگذارد و دستکش نپوشد.²¹

ابن عقیل در زمان که فتنه بیشتر شد، در مورد ستر روی و دست زن در وقت حج و عمره فتوا داد که کشف روی و دست زنان از شعار حج و عمره (احرام) است و نباید پوشیده باشد.²²

²¹ البخاری حدیث را از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت میکند.

www.binbaz.org.sa>fatwa www.islamweb.net>fatwa حکم انتقاد المرأة و لبسها. الدر السنیة - الموسوعة الحدیثة - شروح الأحادیث / www.dorar>andi / کتاب ابن قیم الجوزیة ، باب لا تنقب المرأة المحرمة و لا تلبس الققازین / www.shamela.w

²² سایت القرضاوی تحت عنوان حجاب المرأة

نقد احکام مربوط به حجاب زن

مادهٔ سیزدهم: فقره (7) قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر قابل دقت و بررسی بیشتر است. در این ماده آمده: نظر کردن مردان بالغ بیگانه به بدن و روی زنان و نظر کردن زنان بالغ به مردان بیگانه حرام است. این مورد قبلاً مناقشه و با دلایل ثابت و صریح رد شد. امید است از قانون بیرون شود.

ایا صدای زن عورت است؟

فقره (3) صدای زن را عورت می داند، در باب این فقره تبصره داریم.

فقره سوم، خارج شدن زن را از منزل فقط در حالت ضرورت جواز میدهد و در وقت غیر ضرورت جواز نمی داند. قانون و علمای مخالف خارج شدن زن از منزل بدون ضرورت به یک حدیث استنباط می کنند.

پدر یک زن مریض نزدیک به مرگ شد، زن از شوهر اجازه خواست تا پدرش را عیادت کند، شوهر اجازه نداد. پدر وفات کرد و زن اجازه خواست تا در تشییع جنازه پدر اشتراک کند، شوهر اجازه نداد. زن حکایت را برای رسول الله صلی الله علیه و سلم کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت:

«إن الله غفر لأبيك لأنك أطعت زوجك» خداوند به خاطر اطاعت از شوهر پدرت را بخشید و مغفرت کرد.

این حدیث را عبد الله بن حمید از ثابت از انس روایت نموده. حدیث در صحاح نیست و مقطوع میباشد و همچنان خلاف مقصد دین که وفاء بحق والدین است میباشد و همچنان مخالف حدیث صحیح: «أن الله أذن لکن أن تخرجن فی حوائجکم» (البخاری: 5237). برای قضای حاجت بر طرف کردن آن به شما اجازه خارج شدن از خانه داده شده. این حدیث را أم المؤمنین روایت کرده. آیا از مصلحت دین است که زنان را به این حدیث مکلف سازیم، در حالیکه زنان

در تمام مراسم حتی در میدان جهاد و مسجد نبوی با مردان حضور می داشتند.²³

در مسأله حجاب، لازم است به فقه الموازنات و فقه مرحله و فقه تدرج توجه بیشتر داشت و مسأله حجاب را به مراحل حل کرد، نه به فرمان و اوامر حکومتی. علامه یوسف القرضاوی حجاب را فرع از فروع دین می داند نه اصل از اصول دین و می گوید که نباید اصل دین قربانی فرع دین شود. در مسأله حجاب به حدی شدت نشود که زنان اصل دین را انکار و از آن خارج شوند.²⁴

باید گذاشت تا زن مسلمان خودش به فرضیت حجاب معتقد شود و شکل حجاب اسلامی را مطابق ذوق خود انتخاب کند، اگر با وارد کردن فشار باشد زمانیکه فشار از بین رود، حجاب نیز برداشته می شود.

علامه القرضاوی اضافه می کند: با اینکه ستر سر که در اصطلاح حجاب گفته می شود، در جمله فرائض بالای زن مسلمان است، اما فرع از فروع دین میباشد، اگر شدت در مسأله حجاب و فشار وارد کردن بالای زنان تا حجاب

²³ حدیث مقطوع سخنی است که به پیامبر صلی الله علیه و سلم منسوب نیست، بلکه به یکی از تابعین یا تابع تابعین نسبت داده می شود. این احادیث از نظر اعتبار و حجیت پایین تر از احادیث موفوع (که مستقیماً به پیامبر نسبت داده می شوند) است.

²⁴ فقه الموازنات: به معنی فقه سنجش و مقایسه است. این اصطلاح در علم فقه به بررسی و تحلیل وضعیت ها و شرایط مختلف می پردازد تا بتوان میان منافع و مضرات، احکام شرعی و اولویت ها تعادل برقرار کرد.

در فقه الموازنات، فقیه با توجه به شرایط و مقتضیات زمان و مکان، احکام را با در نظر گرفتن مصلحت، مفسده و اولویت ها تطبیق می دهد و میان گزینه های موجود، بهترین راه حل را بر اساس اصول شرعی انتخاب می کند. این نوع فقه به ویژه در مواردی کاربرد دارد که تصمیم گیری میان چند گزینه متعارض یا پیچیده باشد.

فقه مرحله: این فقه مرحله را در نظر دارد و هر مرحله خصوصیت های خاص بخود را دارد. فقه تدرج: تطبیق قوانین به مراحل و به درجه بندی باشد.

کنند، زنان را از دین کاملاً دور سازد و از دین هجرت نمایند، از شریعت نیست که اصل راقربانی فرع کرد یعنی اسلام که اصل است نباید قربانی حجاب شود.²⁵

علامه القرضاوی بجواب سؤال دختران مسلمان فرانسه که پرسیده بودند: پوهنتون حجاب را از داخل شدن و ادامه درس ممنوع ساخت. القرضاوی جواب داد که اولاً باید از راه قانون مشکل را رفع کرد، اگر نشد دختران در وقت داخل شدن به پوهنتون حجاب را بردارند و در وقت خارج شدن بپوشند. و اضافه کرد که فرانسه نمی خواهد دختران مسلمان تعلیم یافته شوند. از نظر القرضاوی آموختن تعلیم فرض است و حجاب فرع.

رای و نظر مذاهب اسلامی در مورد حجاب و عورت جسم زن

فقهاء از مذاهب مختلف اجماع دارند که نقاب و پوشاندن روی و دست و پای زن واجب نیست. منع کشف روی و دستان و کف پا زن مسلمان در حضور مرد نامحرم از عصر صحابه رضی الله عنهم تا عصر تأسیس مذاهب اسلامی نبود. مذاهب معتبر اسلامی که باقی ماند و آن مذاهب که باقی نمانده در مسأله حجاب بی تفاوت نبودند و در کتب معتبر مذاهب آراء و نظریات فقهی و اجتهادی مبنی بر اصول شرعی عورت زن زیاد موجود است. در این قسمت آراء مذاهب معتبر اسلامی بصورت فشرده آورده می شود و تفصیل به محققین محترم و علما واگذر می شود.

اول : مذهب حنفی:

قانون باساس مذهب حنفی تدوین گردیده و در مقدمه آن آمده که قانون مطابق مذهب حنفی میباشد.

در «الأختیار» که از کتب معتبر در مذهب حنفی است آمده: بطرف زن بیگانه نظر انداختن اجازه نیست، مگر بطرف روی و دستان او. این حکم دستان و

²⁵. الموقف من المسلمة غير المحجبة، تاريخ النشر، ثلاثاء 1923/10/8.

روی را در جمله عورت نمی داند. امام ابو حنیفه رضی الله عنه هر دو پا را نیز در عدم عورت اضافه میکند و می گوید: معرفت روی زن برای معاملات با غیر محرم جهت حل امور زندگی است، و قدم نیز عورت نیست به دلیل اینکه انسان برای راه رفتن به آن ضرورت و احتیاج دارد و هم چنان هر دو دست عورت نیست.

امام ابو حنیفه می گوید: «القدمان لیستامن العورة»، هر دو قدم عورت نیست، به دلیل اینکه اغلباً مانند روی ظاهر می شود. امام الثوری با ابو حنیفه در این مسأله اتفاق نظر دارد و می گوید هر دو قدم عورت نیست. مواد که در قانون در مورد عورت آمده اکثراً مطابقت به آراء فقهای مذهب حنفی ندارد.

در این مذهب فرض و واجب و حرمت دانستن یک امر به حدیث واحد جواز ندارد. الغزالی که از امامان معروف مذهب حنفی قرن بیستم است می گوید: «والواقع أن خبر واحد تتلاشی صحته عندما یخالف المتواتر». در واقع، اعتبار خبر واحد از بین می رود هنگامی که با حدیث متواتر در تضاد باشد. و «خبر الواحد تتلاشی صحته بمخالفته المتواتر». اعتبار خبر واحد با مخالفت آن با حدیث متواتر از بین می رود.²⁶

²⁶ محمد الغزالی، هموم داعیة، دار الکتب العلمیة، بیروت، صفحه 100. این جمله بیان می کند که اگر یک خبر واحد (روایتی که تنها توسط یک یا تعداد کمی از افراد نقل شده) با یک حدیث متواتر (روایتی که توسط جمع زیادی از افراد نقل شده و یقین آوراست) در تضاد باشد، صحت و اعتبار آن خبر واحد تضعیف یابد می شود. معنی خبر واحد: عبارت «خبر واحد تتلاشی میشود؛ اعتبار خبر واحد با مخالفت آن با حدیث متواتر از بین می رود.

به این معنی که اگر یک خبر واحد (روایتی که فقط توسط یک یا چند نفر نقل شده است) با یک حدیث متواتر (روایتی که توسط تعداد زیادی نقل شده و قطعی است) در تعارض باشد، آن خبر واحد اعتبار خود را از دست می دهد.

در مذهب حنفی فرض و واجب و حرمت دانستن یک امر به حدیث واحد جواز ندارد. در این مذهب فرض آنست که به دلیل قطعی ثابت باشد و واجب به دلیل ظنی ثابت نمی شود. همچنان تحریم یا حرمت بیک حدیث ثابت نیست ، حدیث واحد در کراهیت یک امر استفاده میشود. عقائد و ارکان دین و ویژگی های اساسی دین به نقل متواتر ثابت می شود نه به احادیث غیر متواتر.

اکثر مواد قانون استنباط شده به حدیث واحد و به رأی واحد. استنباد به حدیث واحد و رأی واحد را فقهاء مذهب حنفی در حرمت ، جواز و عدم جواز اعتبار نمی دهند.²⁷

دوم : مذهب مالکی :

در شرح الصغیر للدردیر مسمی « اقرب المسالک إلى مذهب مالک » می خوانیم: « و عورت الحرة مع رجل اجنبی منها ای لیس محرم لها جمیع البدن ، غیر الوجه و الکفین.. و اما هما فلیسا بعورة ». تمام بدن زن برای مرد نا محرم عورت است مگر روی و دستان.. و هر دو آنها - دستان و روی - عورت نیست. الصاوی در حاشیه اش می گوید: جواز است که روی و دستان زن غیر پوشیده باشد ، زن مکلف به ستر روی و دستان خود نیست و مرد باید چشمان خود را حفظ کند.

سوم : مذهب شافعی

الشیرازی صاحب کتاب « المذهب » می گوید: تمام جسم زن عورت است بغیر از روی و دستان . النووی در « المجموع » می گوید: معنی آیه مبارکه « و لا یبدین زینتھن إلا ما ظهر منها » ، و اندمشان را محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جزء آنچه ظاهر می شود (بر بیگانه) آشکار نسازند. ابن عباس ظاهر را به روی و کفان دست میداند به این معنی که روی و هر دو دست در جمله

27. محمد الغزالی ، السنة النبویة بین أهل الفقه.. و أهل الحدیث ، صفحات 75-76-78.

عورت نیست. همچنان در تفسیر این آیه که جزء از آیه (31) سوره نور در قرآن کریم است آمده: و زینت های خود را آشکار نکنند، مگر آنچه که (به طور طبیعی ظاهر است).

حدیث که امام بخاری نقل کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم زنان را در وقت حرام از ستر روی و دستان منع فرموده اند. النووی اضافه می کند که امامان مذهب شافعی باین باور اند که هر دو قدم عورت نیست، و المزنی می گوید: القدمان لیستا بعورة، دو قدم عورت نیست.

چهارم: مذهب حنبلی

ابن القدامة در «المغنی» می گوید: اختلاف بین مذاهب نیست و جواز است تا روی زن در وقت نماز پوشیده نباشد و هر دو دست و کفان پا در جمله عورت نیست.

علماء اجتماع دارند که در وقت نماز باید روی زن پوشیده نباشد، و اما سر باید ستر شود. بعضی از شافعی ها حدیث صحیح که الترمذی روایت کرد «المرأة عورة»، زن عورت است، می گویند روی و هر دو پا عورت نیست و روی که زیبائی زن را در وقت انتخاب نامزدی نشان می دهد نیز عورت نیست.

جمهور صحابه و مفسرین اتفاق نظر دارند که زن مکلف و مجبور نیست تا روی و دستان و کف پا را ستر کند و این مردان هستند که باید چشمان شان را از دیدن با شهوت بطرف زن حفظ کنند.

در تفسیر آیه «لا یحل لک النساء من بعد و لا أن تبدل بهن من ازواج و لو اعجبک حسنهن» (الأحزاب: 52). از این پس زنان دیگر برای تو حلال نیست، و {نیز} جایز نیست که آنان را به همسرانی دیگر تبدیل کنی گرچه زیبایی آنان تو را خوش آید.

سؤال در این است که چطور ممکن است زیبایی یک زن را تشخیص داد تا رویش معلوم نشود، معنی آیه این است که روی زن باید باز باشد.

گروهی که روی، دستان و کفان پا زن را عورت می دانند و امر به ستر آنها می کنند باین حدیث استنباط می کنند: «حدیث عائشه فی سدل الحجاب علی وجهها فی الحج». احمد و ابو داود و ابن ماجه و البیهقی روایت می کنند که عائشه گفت: «کان الרכبان یمرّون بنا و نحن محرّمات مع رسول الله صلی الله علیه وسلم، فإذا حاذوا بنا سدلنا إحدانا جلابها من رأسها علی وجهها، فإذا جاوزنا كشفناه» سوران به نزد ما در وقتیکه ما حرام داشتیم و با رسول الله صلی الله علیه وسلم بودیم، زمانیکه به ما نزدیک می شدند یکی از ما روی سری خود را پائین کرده روی خود را می پوشاند، و زمانیکه می گذشتند روهای خود را باز می کردیم.

علمای حدیث در مورد حدیث فوق می گویند:

این حدیث حجت نیست. شیخ الألبانی حدیث را بررسی کرده می گوید که ضعیف است و در شریعت حجت نمی باشد.²⁸

شیخ القرضاوی در مورد حدیث فوق می نویسد:

حدیث به دو دلیل حجت نیست:

1. حدیث ضعیف است، در سند آن یزید بن ابی زیاد است که در مورد او سخنان زیاد میباشد و حدیث ضعیف در احکام گرفته نمی شود و حجت نمی باشد.

²⁸ الألبانی، ناصر الدین، صحیح و ضعیف سنن ابو داود / Lib.eftwa.ir / روایت کرده ابو داود (1833) و احمد (2467).

2. این فعل (عمل) از عائشه رضی الله عنها است و فعل عائشه دلالت به واجب بودن نمی کند، و فعل رسول نیز دلالت به واجب نیست، پس چطور فعل دیگران حجت باشد؟²⁹

حدیث که ابو داود از اسماء بنت ابوبکر روایت می کند به این عبارت است: اسماء داخل منزل رسول الله صلی الله علیه وسلم شد، لباس اش نازک بود. رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: «یا اسماء! ان المرأة إذا بلغت المحيض، لم یصلح أن یری منها إلا هذا و هذا». ای اسماء! زن وقتی که بوقت حیض برسد (یعنی جوان شود) مناسب نیست که از او دیده شود یا ظاهر شود بغير از این و این، اشاره به روی و دستان.

علامه مرحوم القرضاوی در مورد حدیث اسماء می گوید که حدیث به تنهایی حجت نیست، در سلسله روایان آن از عائشه ضعف وجود دارد و محدث الألبان حدیث را حسنه می گوید.³⁰

سخنی با خواهران

خواهران عزیزه! حجاب فرض اسلامی می باشد و ارتباط به قانون وضعی و فشار سیاسی و اداری ندارد. شما خواهران حجاب را به خاطر اطاعت از اوامر الله متعالی مراعات کنید، نه از ترس محتسب. محتسب می رود و نظام تبدیل می شود و قوانین ملغا می گردد، اما حکم الله باقی می ماند.

²⁹ الدكتور یوسف القرضاوی، أحكام النقاب لیس فرضاً و لا بدعة، 2014/22/11

www.qaradawi.net/node/4053

³⁰ همان مرجع.

حدیث حسنه: حدیث حسنه در اصطلاح علم حدیث به روایتی گفته می شود که از نظر (سلسله روایان) قابل اعتماد است، اما به درجه حدیث صحیح نمی رسد. در مسأله نقاب بین قول به واجب بود آن و قول به بدعت بودن آن مراجعه شود: کنفرانس الدوحة، قطر 1416/اکتوبر 1995، و همچنان دیده شود: الدكتور یوسف القرضاوی، الحلال و الحرام، و فتاوی معاصرة جلد اول و دوم، سایت القرضاوی 2024/27/8، و فضل غنی مجددی، بحثهای دینی و فتواهای معاصر قسمت زنان.

حجاب برای دختر و زن مسلمان عزت و احترام می دهد و زن با حجاب بیشتر مورد احترام قرار می گیرد. جوانان برای انتخاب همسر اولاً به دختر با حجاب فکر میکنند.

خواهران گرامی! حجاب نمونه و شعار اسلام است، شما که حجاب میکنید باید حجاب مناسب به سن و شکل خود را انتخاب کنید، حجاب باید بسیار قشنگ و زیبا و پاک باشد، تا سبب شود دیگران نیز حجاب کنند. همانطور که هر سال برای لباس نمایش برگزار می شود، برای حجاب اسلامی نیز هر سال نمایش حجاب برگزار می گردد، شما دختران افغانستان نیز هر سال نمایش لباس برگزار کنید و با استفاده از ویپ سایت لباس اسلامی، حجاب خود را انتخاب کنید.

مسئولیت محتسب در رابطه به موتر های مسافربری و باربری، موتر سایکل و

سایر وسایط

ماده بیستم:

این ماده شامل پنج فقره میباشد.

فقره (5) اجتناب از انتقال زنان بدون محرم شرعی عاقل و بالغ. این فقره ارتباط به خارج شدن زن و انتقال او از یک منطقه به منطقه دیگر میباشد و قابل تأمل و دقت بیشتر است.

قانوگذاران برای این فقره به حدیث که ابوهریره از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به این عبارت روایت کرده استناد می کنند:

عن ابی هریره، عن النبی صلی الله علیه و سلم قال: «لا یحل لامرأة تؤمن بالله و الیوم الآخر، تسافر مسیریة یوم إلا مع ذی محرم» (رواه مسلم). برای زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، جایز نیست که مسافتی به اندازه یک روز راه راطی کند، مگر اینکه با یکی از محارم خود (مثل پدر، برادر، همسر و غیره) همراه باشد.

در همین مورد حدیث دیگر را امام بخاری و مسلم به این عبارت آورده اند:

ابن عباس و دیگران روایت می کنند: «لا تسافر امرأة إلا و معها محرم». زن سفر نکند مگر اینکه با او محرمش باشد.³¹ حدیث دوم قوت بیشتر نسبت به حدیث که قانونگذاران استنباط کرده اند میباشد.

منع سفر در آن زمان که امنیت نبود، سوء ظن نسبت به زنان نبود بلکه برای حفظ شرف و عزت زن بود.

توجه در حدیث که قانون برای منع سفر زن بدون محرم داخل شهر و خارج آن کرده اند بیشتر باشد. در متن حدیث سفر به مقدار یک روز آمده، باین معنی که زن کمتر از یک روز را میتواند بدون محرم سفر کند.

قبلاً گفته شد که قانونگذار باید مقاصد قرآن کریم و احادیث را بدانند، زیرا هر آیه و هر حدیث یک یا چند مقصد را افاده میکند. اگر شرایط که در مورد آن حدیث آمده تغییر می کند، و علت واضح که جلب مصلحت و دفع مفسده است نیز تغییر می کند و حکم که قبلاً بود منتفی می شود، حکم همراه با علت میباشد و بدون علت معدوم می شود.

علت از منع سفر زن بدون محرم خوف و ترس از سفر زن بدون محرم بخاطر بود که سفر در آن زمان بسیار مشکل بود، و سائل نقلیه حیوانات مانند: شتر، اسب و خرو یا با پا بود. سفر در صحرا بود و مسافر از بین شهرها و قریه ها عبور نمی کرد. شرایط برای سفر زن بسیار دشوار بود. در طول راه خطر تجاوز و سرقت مال نیز بود، و اسم و شرف زن صدمه می دید.

لیکن اگر حالت و شرایط تغییر می کند، مثلیکه در عصر ما تغییر کرده، و سفر با هواپیما، ریل، موتورها، مسافربری بزرگ در داخل شهرها و کشورها صورت میگیرد و صدها نفر در ریل و قطار یکجا سفر می کنند و جای

³¹ متفق علیه، لؤلؤ و مرجان حدیث (850)، لؤلؤ و مرجان: ترجمه: محمد حنیف بلخی،

مراجعة: دکتور عبدالستار سیرت، جزء دوم، صفحه 112

برای خوف و ترس نیست ، در شرایط موجوده زن می تواند بدون محرم سفر کند و در شریعت سفر زن بدون محرم در وقت حاضر حج برای زن نیست . ، این حکم مخالف حدیث نیست و حدیث که عدی بن حاتم روایت کرده این حقیقت را به اثبات میرساند.

عدی بن حاتم روایت میکند: «یوشک أن تخرج الظعينة من الحيرة تقدم البيت (الكعبة) لزوج معها»³² به زودی زمانی فرا می رسد که زنی (ظعینه) از حیره (شهری در عراق) به سوی کعبه حرکت می کند و بدون همراهی شوهرش به خانه کعبه می رسد. این حدیث مبارک در وقت حاضر تحقق یافته و امنیت است لذا در روشنی این حدیث علماء برای زن سفر بدون محرم را در هر وقت حتی برای حج نیز جواز می دانند و محرم را شرط سفر نمی دانند.

اکثر علماء برای زن جواز می دهند تا بدون محرم به حج سفر کنند. أم المؤمنین عائشه رضی الله عنه و دیگر زنان نبی الله صلی الله علیه و سلم در عهد خلافت عمر رضی الله عنه بدون محرم به حج رفتند ، و با آنها عثمان بن عفان و عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنهما بود چنانکه در صحیح البخاری آمده.

همچنان علماء می گویند که زن میتواند به سفر حج بدون محرم رفت اگر راه با امن باشد این مورد را صاحب «المهذب» از فقهاء مذهب شافعی صحت می گذارد. و اکثر علماء مذهب شافعی محرم را در هر سفر شرط نمی دانند.³³ امام احمد می گوید: محرم شرط رفتن به حج نیست زیرا زنان با یک گروه از زنان یکجا سفر می کنند.

این سرین می گوید: با هر مسلمان که سفر کند مانع نیست.

الأوزاعی می گوید: با قوم که عادل باشند.

³². رواه البخاری فی کتاب (علامات النبوة فی الإسلام).

³³. فتح الباری جلد 4 ، صفحه 446 و بعد آن. الدكتور یوسف القرضاوی ، کیف تتعامل مع

السنة النبویة ، صفحات 148-149.

امام مالک میگوید: با جماعت از زنان³⁴

سد ذرائع

سد یا بسته کردن یک امر و یک شیء مباح، از ترس اینکه به حرام نرسد. عده به دلیل سد ذرائع تمام بدن زن را عورت می دانند. اما در مورد (منع و جواز) بین علماء و فقهاء اختلاف نظر زیاد است. ابن القیم در کتاب «اعلام الموقعین» 99 دلیل را برای مشروعیت آن می آورد.

علماء فقه و اصول می گویند که مبالغه در باز کردن سد ذرائع و مبالغه در بسته کردن آن، نتیجه آن فساد بزرگ است. ضرر برای انسان در دین و دنیا می رسد. مبالغه در بسته کردن (سد ذرائع) مشکلات بزرگ را در امور دنیا و آخرت برای مردم سبب می شود.³⁵

³⁴ فضل غنی مجددی، بحث های دینی و فتوا های فقهی، صفحات 341-343. این کتاب را می توانید در سایت فرهنگ و ثقافت اسلامی مطالعه کنید. Islaminfo.one

³⁵ سد الذرائع: حقیقة و نماذج من تطبیقاته المعاصرة / Ata Ur Rahman, Universty of Malakand/PDF در اصطلاح فقهاء و اصولی ها: عملی که در ظاهر مباح باشد، اما ممکن است به مفسده و وقوع حرام برسد.

الذریعة: وسیله و طریقه، در تعریف اصطلاحی سد الذرائع، امام الباجی در «إحكام الفصول» (2/695-696)، ط دارالکتب العلمیة می نویسد: عبارت از وسیله است که ظاهر آن مباح و میرسد به فعل محظور یعنی ممنوع و یا محدود است. امام ابن العربی در «أحكام القرآن» (2/265)، ط دارالکتب العلمیة همین تعریف را می آورد.

محظور قانونی چیزی که به دلیل قوانین موجوده ممنوع است. محظور اجتماعی: عملی که از نظر جامعه ناپسند یا غیر قابل قبول باشد.

سد الذرائع از اصول مذهب امام مالک است. الخطاب در «مواهب الجلیل» می گوید: مذهب مالک مبنی به سد الذرائع بود.

Islamweb.net/ar:islamway.net>article>87028/Publication>335820502_sd /
www.reseachgate.net

فساد جامعه

یک تعداد از علماء باین عقیده اند که کشف روی و دستان و پاهای زنان در عصر اول اسلامی به دلیل اینکه مردم صالح و دیندار بودند جواز داشت. صحیح است که عصر رسالت و خلافت را شده عصر تقوی و پاکی بود، اما در آن عصر نیز مردمی بودند که مرتکب کبائر می شدند. قرآن کریم در سوره الأحزاب آیات (60-61) وجود منافقین و بدکاران را در عصر رسالت نشان میدهد.

ادله شرعی که صحت آن ثابت باشد، صفت عمومی و خلود (همیشگی - جاویدان) را دارد و شریعت حساب می شود. ادله شرعی برای یک زمان خاص و مکان خاص نیست مسلمانان در موضوع زنان به دو گروه تقسیم می شوند:

1- گروهی که می خواهند رسم و رواجهای غرب را بالای زنان مسلمان حاکم و تطبیق کنند.

2- گروهی دوم میخواهند رسم و رواجهای شرق را بالای زنان تطبیق کنند، مشکل این گروه این است که رسم و رواجهای شرق میراثی را صبغه دینی می دهند و آنرا دین معرفی می کنند، و برداشتهای شان را با وارد کردن فشار بالای زنان عملی می کنند.

در بحث فقهی که وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر که بنام قانون یاد شده، در مورد زنان و حجاب و عورت عموماً زیر تأثیر آراء فقهی که با شرایط آنزمان ممکن سازگار بود رفته و آراء فقهی را با رسم و رواجهای میراثی افغانستان در قانون یکجا ساخته اند.

آنانکه به دلیل فساد و فتنه از سد ذرائع استفاده می کنند و زنان را از مسجد منع می سازند، باید متوجه باشند که در عصر حاضر و پیشرفت تکنالوجی نمی توان موانع ایجاد کرد، پیشرفت و تقدم در ساحات علمی تمام دیوارها را برهم زده. بهتر و از مصلحت اسلام و امت اسلامی است تا مردم را در روابط

اجتماعی آزاد گذشت، آزادی با تربیه و ایمان مفیدتر از مقید ساختن میباشد. محدود کردن، نواقص زیاد دارد در حالیکه یکجا بودن با شرایط اسلامی فضاء محبت و ازدواج را تقویت میکند. فساد درعهد رسالت و خلافت راشده نیز بود، با وجود آن رسول اکرم صلی الله علیه و صحابه محدودیت را وضع نکردند و گذاشتند تا جامعه باز باشد و تقوی و ایمان مانع انحرافات اخلاقی شود.

آیا از مصلحت اسلام است دختران جوان را گذاشت بخاطر ادامهٔ تعلیم مهاجر شوند و درکشور هایی غیر اسلامی بدون وجود خانواده درس بخوانند؟ یا از مصلحت اسلام است تا دروازه پوهنتونها را باز کرد تا دختران جوان بدون خوف و ترس درس بخوانند؟ آیا مناسب تر برای محتسب این نیست که امر به فتح دروازه های تعلیم برای نسلان شود؟

جامعهٔ مدینه خالی از انحرافات نبود، انحرافات حتی در داخل مسجد واقع میشد و قرآن این مورد را در سورهٔ الحجر آیهٔ 24 شرح میدهد. امام بخاری از قول ابن عباس رضی الله عنهما انحرافات را بیان می کند. رسول الله صلی الله علیه و سلم با وجود انحرافات حاضر نشد داخل مسجد دیوار عمار کند و زنان را از رفتن به بازار منع نساخت. و این امر را به تربیه ایمانی و تقویت ایمان وار گذارشد و گذاشت تا مردم با تقوی شوند. رسول الله صلی الله علیه و سلم میدانست که محدودیت و جدائی خطر آن بیشتر از آزادی است.³⁶

مسئولیت محتسب در رابطه با مطبوعات و اطلاعات

فقره 1 و 2

این دو فقره برای مطبوعات اجازه نمی دهد تا موارد خلاف شریعت را پخش کند، این مورد برای جامعه مفید و قابل قبول است. اما فقره (3) قابل دقت و نقد است. فقره (3) می گوید: نشر مطالبی که عکس های ذی روح (جاندار)

³⁶ . المستدرک علی الصحیحین 2/348 ، و قال الحاکم : هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یخرجاه ، و فی صحیح ابن خزیمه 2/818 ، و صحیح بن حبان 2/126.

در آن نباشد، یعنی مطبوعات عکس ذی روح را نمایش ندهد. این موضوع را زیر عنوان عکس ذی روح از نظر شریعت بحث خواهیم کرد. اما سؤال در این است که آیا مراقبت مطبوعات از صلاحیت های وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر است، یا از مسئولیت های وزارت فرهنگ و ثقافت؟ قانون مطبوعات غیر قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر است و با هموائی یکدیگر باید باشد. وزارت مطبوعات قانون مطبوعات را ترتیب داده و تا حال دو مرتبه امیر المؤمنین آنرا نپذیرفته و برای بررسی بیشتر به وزارت مطبوعات فرستاده شده. عدم موافقه امیر المؤمنین از مواد قانون تا هنوز روشن نشده است. این مطلب را معین وزارت مطبوعات بیان داشت.

مسئولیت محتسب در رابطه به تجار، کسبه کاران و دهقانان

ماده هجدهم:

فقرة (1) مکلف کردن به نماز جماعت در مسجد، در اوقات معین.

فقرة (2) مکلف به پرداخت به موقع زکات، عشرو سایر مکلفیت های مالی به مستحقین.

آیا در نزدیک مزارع مسجد است یا خیر؟ اگر باشد این امر اسلامی است. اما اگر نباشد تکالیف دهقانان بیشتر می شود. جمع آوری زکات و تعیین مقدار آن از صلاحیتهای اداره زکات است نه از صلاحیتهای وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر، همچنان تعیین مقدار زکات، وقت اداء آن، از کدام حاصلات زراعتی زکات است و اگر است بکدام مقدار، زکات بالای اموال تجارتی، عمارتها، وسائل ترانسپورتی، بانکها، مؤسسات اقتصادی علم جدید است و این موارد در عصر اول اسلامی نبود و حکم جدید و اجتهاد جدید می خواهد. دکتور یوسف القرضاوی بحث جالب و مهم را در مورد زکات دارد که مرجع مهم به حساب می آید. اداره زکات مکلف است کتاب (فقه الزکاة) که در دو جلد است ترجمه و در فاکلته ها تدریس شود. تعیین قیمت اجناس، مراقبت بازار از صلاحیتهای بلدیة است، مراقبت مواد

غذائی و ادویه از صلاحیت های وزارت صحت و اداره دواء میباید نه باید محتسب در این موارد مداخله کند.

منع فروش اعضای بدن

فقرة (7) منع کردن از فروش و استعمال اعضای انسان مانند: گرده (کلیه) جگر، چشم و موها. این حکم مانع فروش است و فروش اعضای بدن نظر به قانون جواز ندارد. باید سؤال کرد که چرا انسان حاضر برای فروش عضو از بدن خود می شود؟ فقر اقتصادی سبب فروش اطفال و اعضای بدن است. محتسب قبل از منع فروش اعضای بدن باید مبارزه علیه فقر و تطبیق عدالت اجتماعی کند، مبارزه با فقر و تطبیق عدالت اجتماعی در مواد قانون نیست و محتسب حق امر به تطبیق عدالت اجتماعی و دعوت برای از بین بردن فقر و ناتوانی را نظر به مواد قانون ندارد. عده از علماء فتوا داده اند که اگر گیرنده عضو از جسم یک انسان، اگر بقسم هدیه یک مقدار پول عطا میکند در گرفتن آن مانع شرعی نیست. امام یوسف القرضاوی می گوید: شخصی که از اعضای جسم شخص دیگر استفاده می کند، اگر به قسم هدیه چیزی میدهد محل اجتهاد و نظر است.

قانون در مورد اهداء عضو از جسم که حیات یک انسان دیگر را حفظ می کند سکوت کرده.

انسان از آن اعضای بدن حق دادن را بدیگران دارد که سبب نجات یک انسان دیگر شود و ضرر نیز به او مواجه نشود، عضوی که دو دانه است، خون، قسمت از جگر و موی سر سبب هلاکت انسان نمی شود و در حالت ضرورت انسان میتواند به شخص دیگر اهداء کند. فیصله در این مورد از حق شخص و طیب مختص می باشد نه از صلاحیتهای محتسب که هیچ علم و معلومات از مسائل طبی ندارد. برای روشنی مطلب فیصله های مجامع بزرگ فقهی را می آوریم.

فیصله مجمع فقهی کنفرانس اسلامی

1. نقل عضو از جسم انسان که زندگی به آن ارتباط دارد مانند قلب حرام است.
 2. اجازه است استفاده از عضو جسم انسان که به علت مریضی از جسم جدا شده باشد، مانند گرفتن قرینه چشم انسان در حالت کشیدن چشم به علت مرض.
 3. جواز نقل عضو از جسم مرده اگر عضو مذکور سبب حیات شخص دیگر شود، بشرطیکه شخص متوفی و یا ورثه اجازه داده باشد. اگر متوفی غیر معلوم باشد ولی امر مسلمین باید موافقه کند.
- نقل عضوی از جسم به قسمت جسم دیگری انسان با مراعات تأکد منفعت و کامیابی در عمل جراحی اجازه است بشرطی که مکان عضو مفقود یا عضوی که وظیفه اصلی خود را از دست داده باشد و یا اصلاح عیب و یا از بین برداشتن خرابی های که برای شخص از ناحیه نفسانی (روانی) و عضوی مشکلات خلق نموده باشد.

اختلاط بین زن و مرد

ماده بیستم:

فقرة (4) و (5)، جلوگیری از اختلاط زنان با مردان نا محرم. مهمترین مورد در قانون است. کلمه (اختلاط) در قانون تعریف فقهی و اجتماعی نشده است، تا مفهوم اصطلاح کلمه اختلاط صحیح علمی و فقهی تحلیل نشود مشکل باقی می ماند. فقرة چهارم و پنجم اختلاط را بصورت علمی و فقهی بیان نکرده است.

کلمه (اختلاط) کلمه جدید و اصطلاح جدید در روابط اجتماعی بین زن و مرد می باشد و در فرهنگ اسلامی نبود، و جدید داخل فرهنگ و ادبیات اسلامی شده است. تاریخ اسلامی کلمه اختلاط را نمی شناسد. در عصر حاضر بهتر و علمی تر است تا در بدل کلمه (اختلاط)، اصطلاح و کلمه

«مقابله»، «لقاء»، «مشارکت»، «دیدار»، «ملاقات» و «برخورد» را استفاده کرد زیرا کلمه در قوانین اسلامی در عصر حاضر جا ندارد. اصطلاحات فقهی در مرور زمان تغییر کرده مثلاً: اصطلاح أهل (ذمه) در فقه قدیم مورد استفاده بود، بعداً به اصطلاح (اقلیت اسلامی) و بعداً به اصطلاح (شهروند) تبدیل شد. به همین ترتیب اکثر اصطلاحات فقهی قدیم در عصر حاضر قابل استفاده نمی باشد.

اختلاط به معنی درهم شدن یا یکجا کردن دو چیز است. در فقه اسلامی اختلاط به معنی یکجا بودن زن با مرد نا محرم است. فرهنگ فارسی عمید اختلاط را به معانی متعدد مانند: آمیختن، مخلوط شدن، درهم آمیختن، آمیختگی، ترکیب شدن دو یا چند جسم با یکدیگر می آورد.³⁷

فقهاء باین نظر اند که اگر زن با مرد نا محرم در یک اطاق در بسته یکجا باشد و عمل غیر قانونی و غیر اخلاقی را انجام ندهند، اختلاط نا مشروع میباشد.

از تعریف اختلاط باین نتیجه و استنباط میرسیم که بودن زنان با مردان در محافل و اجتماعات عمومی مانند مساجد، بازار، صالونهای کنفرانس، مدارس و پوهنتونها، و وسائل نقلیه جمعی، بیمارستانها، خیابانها، پارکها و غیره امکان عمومی اختلاط مشروع بوده و مانع در آن نیست.

اختلاط در مذاهب اسلامی به معنی روابط نا مشروع پایین تر از زنا حرام و از نظر حقوقی مجازات آن تعزیر است. همچنان حرمت اختلاط زن با مرد نا محرم از امور مسلم در نزد مذاهب اسلامی بوده و تعزیر بر ارتکاب فعل حرام مقبول در نزد مذاهب اسلامی است. آنچه مهم است اینکه هدف از مذاهب اسلامی بر نهی روابط نا مشروع پایین تر از زنا دارد. به عبارت دیگر اختلاط نا مشروع در فقه اسلامی همانا یکجا بودن زن با مرد نا محرم در داخل یک

lamtakam.com>dictionaries>amid .³⁷

اطاق بدون اشخاص دیگر میباشد. اگر شخص یا اشخاص دیگر چه مرد و یا زن حضور داشته باشند اختلاط مشروع گفته میشود و جواز دارد.

آن عده از دانشمندان اسلامی که اختلاط بین زن و مرد را جواز نمی دهند به حدیث شریف که امام جابر رضی الله عنه روایت کرده استناد می کنند. جابر رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فلا یخلون بأمرأة لیس معها ذو محرم فإن ثالثهما الشیطان». هر کس راست می گوید که به خدا و دنیای پس از مرگ ایمان دارد، با هیچ زنی که محرمی همراه او نیست، خلوت نکند زیرا سومین آنها شیطان خواهد بود.»

سند و متن حدیث کاملاً صحت دارد اما مشکل در فهم صحیح آن نزد علماء میباشد. در مورد خلوت در کتب فقه اسلامی در باب حق زن برای دریافت مهر بعد از عقد ازدواج آمده: «الخلوة الصحیة» خلوط صحیح آن است که زن و شوهر بعد از عقد صحیح در یک جای که در آنجا بتوانند زنا شوئی کنند و مکان با امن برای این عمل باشد و در آن محل یا مکان مانع طبیعی (وجود یک شخص دیگر) نباشد.³⁸ از تعریف فوق فهمیده می شود که امکان عمومی خلوت نیست.

در فقه اسلامی اصول و قواعدی داریم مبنی بر رفع تکالیف و رفع حرج در مقام اضطراری و اجبار، حضور در صنف درسی مختلط، رفتن به مساجد برای دروس علوم اسلامی و علوم معاصر، ارتکاب عمل حرام نیست و اختلاط نا مشروع گفته نمی شود.

اختلاط بین دو جنس (مرد و زن) احکام خاص دارد که متأسفانه در قانون جدید مد نظر نبوده است. بعض علماء در گذشته بودند و در عصر حاضر هستند که برای زن خارج شدن از منزل را بغیر از دفن جواز نمی دانند و باین

38. وهبة الزحیلی، الوجیز فی الفقه الإسلامی، جزء سوم، 2006، صفحه 103.

باور اند که زن یکبار برای ازدواج و بار دیگر برای دفن حق خارج شدن را دارد. عده‌به دلیل فساد و فتنه عصر حاضر رفتن زنان را به مساجد نیز حرمت می‌سازند.

چرا هواء تازه برای مردان حلال است و برای زنان حرام؟ چرا سوء ظن نسبت به زنان باشد و برای مردان نباشد؟ چرا مرد حق کار را در دفاتر دارد و زن ندارد؟ آیا تنها مردان غریزه جنسی دارند و زنان ندارند؟ چرا آوازی یا صدای زن حرام است و از مرد نیست؟ چرا زن بصورت و شکل شیطان ظهور می‌کند و مرد نمی‌کند؟ چرا اشتراک زنان و رفتن به پارکهای تفریحی و رفتن برای تعلیم و کار در شریعت حرمت دارد و برای مردان ندارد؟ آیا زن مانند مرد در انسانیت و طبیعت بشری یکسان نیست؟

در جواب میتوان گفت که تمام قضایای اجتماعی و فکری در جوامع عقب مانده ای اسلامی بین افراط و تفریط میباشد. ظلم بالای طبقه نسوان قضیه جدید نیست بلکه تاریخ طویل دارد. ظلم بالای زنان نمونه از عقب گرائی مسلمانان و عقب ماندن از مدنیت است. در امور و مسائل که ارتباط به زنان دارد، عموماً رسم و رواجهای میراثی که اکثراً مخالف اسلام است تطبیق می‌شود و مردان هستند که قوانین را برای زنان می‌سازند و مردها به نمایندگی از زنان حرف می‌زنند.

اسلامی حکم عمومی را در این موارد و آنچه اختصاص برای طبقه نسوان دارد صادر نمی‌کند، اما در روشنی هدف از اختلاط در نظر داشت مصلحت عمومی و ضرر که متوجه جامعه میباشد حکم صادر می‌شود.

تاریخ اسلامی شاهد است که در عهد رسالت و خلافت راشد، زنان با مردان در زیر یک سقف نماز اداء می‌کردند و جمع می‌شدند، زنان با مردان نماز

جمعه و هر دو عید را یکجا انجام میداند، و در غزوات با مردان اشتراک داشتند و از دولت و نظام اسلامی دفاع میکردند و شهید می شدند.³⁹

امام مسلم روایت میکند که (أم سلیم) در روز حنین خنجر بدست داشت، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم خنجر را بدست او دید و پرسید خنجر برای چه؟ جواب داد: تا در شکم یکی از مشرکین داخل کنم.⁴⁰

امام مسلم روایت می کند که زنان در امور نظامی با مردان اشتراک داشتند، زخمی ها را علاج و غذاء آماده میکردند. أم عطیة می گوید: در هفت جنگ با رسول الله صلی الله علیه وسلم اشتراک داشتم.⁴²

تاریخ اسلامی شاهد است که هزار زن در دفاع از بیت المقدس و مسجد اقصی شهید شدند. امام القاضی بن عربی الأندلسی (1148/453)، می نویسد که در مسجد اقصی در وقت حملات صلیبی اداره بنام (رباط زنان) بود که در آن یکهزار زن مشغول تعلیم و عبادت بودند. این زنان در وقت حمله صلیبی بالای مسجد اقصی دفاع کردند و به شهادت رسیدند

حبس و زندانی کردن زن در خانه عقاب بزرگ است که به علت عمل زنا و بالای زن شوهر دار اجراء میشود. آیه (15) سوره النساء در همین مورد است: «والاتی یأتین الفاحشة من نسایکم فاستشهدوا علیهن أربعة منکم فإن شهدوا فأمسکوهن فی البیوت حتی یتافهن الموت أو یجعل الله لهن سبیلاً». و آن کسانی از جمله زنان شما که مرتکب فحشاء (زنا) گردند چهار مرد را از میان خود (مسلمین) بر آنها شاهد بخواهید و اگر شاهدان (بوقوع عمل فحشاء) گواهی دادند پس آن زنان را در خانه ها نگاه دارید تا وقتی که

39. فضل غنی مجددی، مطالعة تمهیدی عصر رسالت و خلافت راشده (1-40 هجری)، مراجعه پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت، طبع امریکا. این تحقیق برای پوهنتونها است.

40. فقه اسلامی، شماره 320، می 2024.

41. رواه مسلم برقم (1809) و البخاری در باب غزو النساء و قتالهن.

42. رواه مسلم برقم (1812).

مرگ شان فرا میرسد و یا خداوند برای آنها راهی (دیگر) مقرر فرماید. و بعداً خداوند متعالی حد را شرع کرد.

منع خارج شدن زن از منزل فقط در حالت ارتکاب عمل زنا است و این حکم را خداوند بعداً به حد تبدیل کرد.⁴³

مسئولیت محتسب به امر کردن مردان برای نماز

نماز رکن اساسی از اسلام است و بالای زن و مرد مسلمان به دلیل قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و اجماع امت فرض میباید. انکار از فرضیت نماز انسان از دائره اسلام خارج می شود. بدون شک امر به نماز و وظیفه تمام مسلمانان و وزارت امر به معروف و نهی از منکر است.

این ماده تنها وظیفه محتسب را به امر کردن مردان برای رفتن به مسجد و اداء نماز می داند و از ذکر زنان به رفتن مسجد و اداء نماز اجتناب می کند. اگر نماز انفرادی و با جماعت بالای مردان فرض است، بلا شک بالای زنان نیز فرض میباید.

احادیث که در باب منع زنان از مساجد آمده همه موضوعی و ضعیف میباید و نمی توان به آنها استدلال کرد. در کتب فقه ده حدیث در مورد منع زنان از رفتن به مساجد و نماز جماعت است. فقهاء و أهل حدیث احادیث که در منع آمده تحقیق و همه را رد کرده اند. در اسلام جواز نیست تا حضور زنان را بشکل انفرادی و جمعی از مسجد منع نمود، دولت مکلف است داخل مسجد مطابق سنت مکان خاص را برای زنان آماده کند. و وظیفه محتسب در قدم اول آماده کردن مکان خاص برای زنان در مساجد و مکان وضوء میباید، نه منع شان از نماز جماعت به دلیل اختلاط.

⁴³ حدزنا زن شوهر دار رجم است. در تطبیق رجم سخنان زیاد میباید که بحث مستقل را می خواهد. الدكتور وهبة الزحیلی، الوجیز فی الفقه الإسلامی، جلد الثانی، صفحات 376 تا

از سنت است که زنان در عقب مردان بدون دیوار یا پرده در وقت نماز ایستاده شوند و بین زنان و مردان اطفال جا دارند. جماعت از شعائر اسلام و علامه و نشانه های از اصول دین است. جماعت را بعض فقهاء فرض میدانند و میگویند تا عذر شرعی و معقول نباشد باید نماز در جماعت اداء شود، عده دیگر جماعت را سنت مؤکده می دانند. به هر حال فرض و سنت بالای تمام امت اسلامی زن و مرد تطبیق میشود و در فرض و سنت بین زن و مرد تفاوت نیست.

برای منع زنان برای جماعت و حضور در مسجد از حدیث که ام حمیده روایت کرده استفاده و استنباط می شود. منع زنان از مساجد تا حدی رسید که ابن خزیمه در کتاب خود باب مستقل بنام « صلاة المرأة فی بیتها افضل من صلاتها فی مسجد رسول الله ». نماز زن در خانه اش برتر و با فضیلت تر از نماز او در مسجد رسول الله است.

این حدیث به فضیلت نماز خواندن زنان در خانه اشاره دارد و تأکید می کند که برای زنان، نماز خواندن در خانه (به خصوص در مکان های دور از دید دیگران) از نظر اجر و ثواب ، برتر از نماز در مسجد است، حتی اگر آن مسجد ، مسجد رسول الله باشد. همچنان روایت شده که زن اگر در داخل منزلش در یک اطاق تاریک نماز بخواند فضیلت دارد.

در حالیکه از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به سند صحیح روایت است که فرمودند: « نماز در مسجد من هزار مرتبه فضیلت از نماز در دیگر مساجد دارد»، آیا این پیام تنها برای مردان بود یا شامل زنان نیز می شد. امر فرمودند: « لا تمنعوا إنا الله مساجد الله » زنان را از مساجد خدا منع نکنید.

امام ابن حزم تمام احادیث که در مورد منع زنان از مساجد روایت شده ، باطل می داند و برای باطل شدن دلایل می آورد که در این بحث به آنها اشاره می شود.

برای أم سلمة گفتند که عمر برای رفتن زنان در تاریکی شب و نماز فجر به مسجد رضایت ندارد. أم المؤمنین برای عمر پیام باین عبارت ارسال کرد: شما امیر المؤمنین هستید زنان را از رفتن به مسجد منع کنید. عمر جواب داد: من این قدرت و صلاحیت را ندارم، زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم زنان را از رفتن به مسجد منع نکردند.

روایت است که عمر بن الخطاب رضی الله عنه برای همسرش که همیشه برای نماز جماعت به مسجد میرفت مشکلات داشت. عمر رضی الله عنه برایش می گفت تو میدانی که من این امر (رفتن به مسجد) را دوست ندارم. عاتکه همسر عمر گفت: منع کنید و در منع من به مسجد نمی روم. عمر جواب داد ترا از رفتن به مسجد منع کرده نمی توانم زیرا رسول الله منع نکردند. عاتکه روزی که عمر در وقت نماز جماعت زخم برداشت در عقب او ایستاده بود.⁴⁴

از سنت بود که زنان و مردان از یک دروازه داخل مسجد می شدند و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ایشان را منع نکردند به این معنی که دروازه برای زنان و مردان مشترک بود.

مسجد نبوی سه دروازه داشت:

1. باب رحمت (الرحمة) ، باب عاتکه نیز گفته می شد و در جهت غرب مسجد موقعیت داشت.
2. باب عثمان و امروز بنام باب جبریل یاد می شود و رسول الله صلی الله علیه و سلم از همین دروازه داخل می شدند. این دروازه در جهت شرق مسجد موقعیت داشت.
3. باب المؤخرة در جنوب مسجد موقعیت داشت.

قبله در آن وقت بیت المقدس بود. داخل مسجد بین زنان و مردان پرده و دیوار نبود. دروازه های مسجد در عهد رسالت و خلافت ابوبکر الصدیق رضی الله

⁴⁴. فقه اسلامی، شماره 323.

عنه بین زنان و مردان مشترک بود. عمر در خلافت خود باب النساء را ساخت، دروازه زنان تنها به هدف تنظیم بود و زنان در عهد عمر حق داخل شدن را از هر دروازه داشتند.

مکان وضوء نیز مشترک بود، از مالک از نافع از ابن عمر که گفت: «کانوا يتوضؤون جميعاً، قلت لمالک: الرجال و النساء؟ قال: نعم، قلت: زمن النبی صلی الله علیه وسلم؟ قال: نعم. همه یکجا وضوء می کردند، برای مالک گفتم: مردان و زنان؟ گفت: بلی، گفتم: در زمان نبی صلی الله علیه وسلم؟ گفت: بلی، یکجا وضوء می کردند.⁴⁵

احکام مربوط به حجاب زن (صدای زن عورت است؟)

ماده سیزدهم

فقرة (3)، صدای زنان (بلند خواندن آهنگ ها، نعت ها و قرائت در مجمع عورت است.⁴⁶ مراجع که در مورد عورت بودن صدای زن در قانون استفاده شده معانی زیاد دارد و قانونگذاران در بین معانی، معنی عورت را انتخاب کرده اند و از کف زدن و بلند نکردن صدا در وقت نماز برای زنان اجتناب نموده اند.

عورت صدای زن، یکی از نقاط بسیار جنجال بر انگیز در قانون است و استناد به روایت بسیار ضعیف میباشد.

حرف زدن زنان با مردان غیر محرم:

حدیث عروة بن الزبیر از اسماء بنت ابوبکر رضی الله عنه: رسول صلی الله علیه ایستاده شدند و در مورد فتنه که انسان در قبر به آن روبرو می شود سخن زدند. زمانی که این مورد را گفتند، صدها بلند شد و من (اسماء) آخر کلام

⁴⁵. الموطأ 24/1، و مسند احمد 103/2-490/5، النسائی فی الطهارة 75/1، باب وضوء

الرجال و النساء، ابن خزيمة فی صحیحه 63/1.

⁴⁶. الموسوعة الفقهية الكويتية جلد 12 صفحه 79.

رسول الله صلى الله عليه وسلم را استماع کرده نتوانستم. زمانیکه آرامش حکمفرما شد و صداها خاموش شد، از یک جوان که به مقابل من نشسته بود پرسیدم: رسول الله صلى الله عليه وسلم چه گفتند من نشیندم. جواب داد: فرمودند: «قد أوحى إلى أنكم تفتنون في قبوركم قريباً من فتنة الدجال». پیغمبر گفتند برایم وحی شد که پس از مرگ، انسان در قبرهای خود مورد آزمون و سؤال قرار میگیرد. این آزمون به عقیده بسیاری از مفسران، مربوط به پرسشهای است که از انسانها در باره ایمان و اعمالشان است.⁴⁷ از حدیث مبارک استنباط می شود که صدای زن عورت نیست و اگر می بود اسماء بنت ابوبکر میدانست و با مرد بیگانه حرف نمی زد.

مسلم بن عبید می گوید که اسماء بنت یزید انصاری در وقتیکه رسول الله صلى الله عليه وسلم با صحابه نشسته بود داخل مجلس شد و گفت: یا رسول الله من به نمایندگی از زنان آمده ام، خداوند ترا برای زنان و مردان بطور عموم فرستاده است، ما بتو و الله تو ایمان آوردیم، زنان اساس منازل شما اند و محل خاموش کردن شهوات شما، و حمل کننده اولاد شما تا آخر. آیا ما زنان با شما مشارکت در تمام خیر و اجر نداشته باشیم؟ رسول الله صلى الله عليه وسلم بطرف صحابه دیدند و گفت: آیا شنیدید که زن با چه زیبایی مسأله خود را که در امور دین اش بود بیان و اظهار داشت؟ صحابه گفتند: یا رسول الله، تصور نمی کردیم که زن اینطور هدایت شده باشد.⁴⁸

⁴⁷ البخاری، کتاب الجنائز 7/479، تا کلمه «ضجة»، ثم روى الباقي النسائي 7/200 من الوجه الذى اخرجه منه البخارى. شرح الزرقانى على الموطأ للإمام مالك /

www.islamweb.net
www.Hadeethportal.com جامع السنة و شروحا ، hadeethenc.com موسوعة الأحاديث

النبوية

⁴⁸ ابن كثير اسد الغابة، جزء 5، صفحه 398، دور المرأة في الدعوة و اصلاح المجتمع، المجلس الأوربي للأفتاء و البحوث، فقه اسلامي شماره 232.

محمود لبید گفت: در روز خندق «اکحل سعد» زخم برداشت و زنی بنام «رفیده» زخم او را تداوی کرد. رسول صلی الله علیه وسلم از نزدیک رفیده گذشت به او گفت: «کیف أمسیت»، حال تو چطور است؟⁴⁹

عمر بن الخطاب رضی الله در زمان خلافت خود بالای منبر بالا شد و مهر را 400 درهم تعیین کرد و گفت از این بیشتر نباشد. زمانی که کلام خود را ختم کرد، زنی از قریش اعتراض به سخنان عمر کرد و گفت: ای امیر المؤمنین مردم را از اضافه کردن مهر بیشتر از 400 درهم منع فرمودید، عمر گفت: بلی، زن گفت یا عمر! نشینده اید که قرآن در این مورد چه می گوید: «وأتیتم إحداهن قنطاراً فلا تأخذونه بهتناً وإثماً مبیناً» (النساء: 20). در حالیکه به یکی از آنها مال بسیار (مهر) داده اید، پس نباید که هیچ چیزی از آن مال را واپس بگیرید، آیا بوسیله بهتان و گناه آشکار، آنرا دوباره بدست می آورید؟

عمر رضی الله عنه اعتراف به اشتباه کرد و گفت: عمر در خطا بود و زن در صواب. زن در داخل مسجد و در حضور مردان نا محرم احتجاج کرد و پیام زنان را با صدای بلند به خلیفه رساند. اگر صدای زن عورت می بود، آیا عمر و صحابه و حاضرین برای زن اجازه سخن زدن را می دادند؟ آیا زن که در جمله صحابیات بود نمی دانست که صدای زن عورت است؟

با پیشرفت تکنالوجی و استفاده از انترنیت، فیسبک، تویتر روابط اجتماعی شکل دیگری بخود گرفت، روابط اجتماعی الکترونی شد، و سائل جدید دست محتسب را محدود ساخت. استفاده از وسائل جدید و معاصر از علمای اسلام می خواهد تا در مورد جواز و عدم جواز آن در روشنی فقه اسلامی و ادله شرعی بیان دارند. در این مورد فتوای شرعی که «المجلس الأوربی للأفتاء والبحوث» صادر کرده آورده میشود و امید است

49. البخاری، کتاب المغزی 8/316، فتح الباری 8/415، مسلم: کتاب الجهاد 5/160، الأدب المفرد 386، قال الألبانی: صحیح.

برای مقام وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر، و وزارت عدلیه و محتسبین مفید باشد.

حکم شرعی در مورد سخن زدن بین دو جنس (مرد و زن) در صفحات اجتماعی
استعمال و سایل تواصل اجتماعی بشکل عموم، در اصل امر مشروع است، در صورتیکه هدف از استعمال آن مشروع و وسیله آن نیز مشروع باشد. باید در استفاده از وسائل تواصل اجتماعی ضوابط شرعی و اخلاقی مراعات شود، مثل، صدق و دوری از نشر معلومات غلط و نشر اخبار نادرست و غیر صحیح و هر آنچه نتیجه آن توهین و اهانت به دیگران و نشر فتنه بین مردم باشد.

اما نشر عکس یا فوتو، اگر نمایش از عورت باشد جواز ندارد، و اگر اینطور نباشد توجه بیشتر برای نشر آن لازم است، زیرا ممکن بعد از نشر آن تحکم در استفاده آن نباشد.

اما معرفت به نیت ازدواج در شبکه های اجتماعی انترنت، قبلاً مجلس در این مورد جواب به مباح بودن داده بود، اما بشروط و ضوابط (فتوی 105/17/3) و لازم است توجه بیشتر در این مورد باشد، تا به سبب آن فتنه و فساد بوجود نیاید.

مانع در گفتار و حرف زدن بین ذکور و اناث در موارد جائز مثل قضیه های علمی و فکری و سیاسی، مانند برنامه های خیریه و غیره مانع وجود ندارد زیرا این امور و موارد در آن ضرر متوجه نیست، البته با قواعد اداب و اخلاق.

(فتوی 22/2/126).

المجلس الأوربی للأفتاء و البحوث / European Council for fatwa and
Research/ www.e-cfr.org

ماده یستم:

محتسب مسئولیت دارد، مسئولین و رانندگان و ساینط نقلیه را به رعایت کردن مواد ذیل، مکلف نماید:

1. منع کردن از پخش موسیقی.

قانون تمام هنرهای زیبا مانند رسم، مجسمه سازی، عکاسی اشیاء ذی روح، تیاتر، نشر فوتوی جاندار و آنچه ارتباط به هنر دارد حرمت میدهد و وظیفه محتسب است تا مانع نشر موسیقی شود.

موقف مسئول وزارت خارجه آقای «حافظ محب الله شاکر» در پاکستان و موقف مسئول بزرگ وزارت حج و اوقاف آقای «عزیز الرحمان منصور» در تهران، و عدم ایستاده شدن به سرود ملی این دو کشور به علت موسیقی، نمایانگر عقیده مامورین بزرگ امارت اسلامی را در مخالفت با موسیقی به هر نوع که باشد میباید. این مواقف صدمه بزرگ در روابط سیاسی و حتی اسلامی بین افغانستان و همسایه ها وارد میکند. وزارت خارجه کابل، بعد از تقدیم معذرت علت عدم ایستادن را موقف شخصی تعبیر کرد. اما مسئولین آنها موقف شخصی اشخاص از موسیقی دانست.

قانون موسیقی را حرمت میدهد نه مکروه می سازد. قانونگذاران به حلال و حرام در مورد هنر خصوصاً موسیقی توجه زیاد نکرده اند، تاریخ هنر و موسیقی عصر رسالت و قرنهای اول اسلامی مطالعه دقیق نشده. غناء با موسیقی یا ساز و آله و بدون ساز تعریف فقهی نشده. قاعده فقهی است که: «الأصل فی الأشیاء الاباحه»، اشیاء که نکره است در اصل مباح میباید، به معنی دیگر تمام اشیاء در دنیا در اصل حلال است، مگر آنچه که با نص صریح و سنت صحیح و اجماع امت (اجماع مجتهدین و علماء) حرام شده باشد. حلال ساختن و حرام نمودن اشیاء تنها از حق الله متعالی است.

هنر نتایج مثبت و منفی (خوب و زشت) دارد، اگر هنر موسیقی در دائره حلال و اخلاق و ادب باشد حلال است و اگر خارج از دائره ادب و اخلاق باشد حرام

است. موسیقی و غناء مانند کلمات است، حلال آن حلال و حرام آن حرام است، خوب آن حلال و زشت آن حرام است. غناء و موسیقی در اصل مباح میباشد، اما اگر اشیاء حرام در جریان موسیقی پخش شود، موسیقی حلال را غیر مباح و حرام می‌سازد، مثل: رقص بچه‌ها و زنان، نوشیدن خمر، قمار و غیره منکرات. بدون شک موسیقی و هنرها در بیست سال اخیر جمهوری همراه با منکرات بود و در بدل ممنوعیت باید اصلاح می‌شد.

قضیه هنرهای زیبا خصوصاً موسیقی و آواز (غناء)، یکی از موضوعات قابل بحث و جنجال برانگیز در ساحة مطالعات اسلامی از قرن‌های اول اسلامی تا امروز ادامه دارد و تا حال این موضوع از ناحیه حلال و حرام، جواز و عدم جواز، آواز با موسیقی و بدون موسیقی، عورت صدای زن حل و فصل نشده و تحقیقات در این ساحة ادامه خواهد داشت. متأسفانه مسلمانان در یک دایره تنگ قرار دارند و نمی‌توانند از آن خارج شوند. مشکل روش فکر دایروی این است که انسان به پیش نمی‌رود و در داخل یک دایره باقی می‌ماند.⁵⁰

در موسیقی معاصر افغانستان، اشعار نامناسب و عشقی بیشتر مورد استفاده قرار دارد، تعداد از هنرمندان زن مسائل اسلامی و معتقدات مردم را احترام ندارند، اما با تمام نواقص نمی‌توان اصل غناء و موسیقی را حرمت داد، از وظیفه دولت و مؤسسات و انجمن‌ها و احزاب سیاسی و جامعه مدنی و حالا امر به معروف و نهی از منکر است تا هنر را اصلاح کنند نه اینکه حرمت دهند. در عصر حاضر مشکل است مانع نشر موسیقی و غناء شد، اگر موسیقی محلی را رواج نداد مردم گوش به موسیقی بیرونی می‌دهند.

در الموسوعة الفقهية در مورد شنیدن موسیقی و غناء چنین آمده:

⁵⁰. فضل غنی مجددی، مطالعه اسلامی در باب هنر و موسیقی (جواز و عدم جواز)، از نشرات فقه اسلامی، امریکا 2022. در مورد فکر دایروی مراجعه شود: فضل غنی مجددی، روش فکر معاصر اسلامی، جلد اول، طبع امریکا 2012

آواز در موارد ذیل حرام است:

- 1- در صورتی که همراه با غناء حرام دیگری انجام گیرد. یا یکجا شود.
- 2- ترس این باشد که گوش دادن به موسیقی و آواز به فتنه عاشقانه برسد و تحریک شهوت شود و با موسیقی بچه بازی و رقص یکجا شود.
- 3- استماع موسیقی و آواز مانع اداء واجبات دینی مثل نماز و یا ترک مسئولیتهای دیگر شود. اگر سبب ترک مستحبات مانند نماز شب و امثال آن شود، مکروه می شود.

4- اگر برای استراحت روح و بدن باشد در حکم آن بین علماء اختلاف نظر است، گروهی حکم به حرمت و گروهی حکم به جواز می دهند.

قرآن کریم از جواز و حلال بودن طیبات و حرام بودن خبائث مسلمانان را باخبر می سازد، و اما آواز و موسیقی را در جمله محرّمات نمی آورد. فقهاء از عصر صحابه تا امروز در عدم جواز موسیقی اجماع ندارند. عدم اجماع معنی آن عدم حرمت است. اهل مدینه با تمام تقوی، اهل تصوف همه به مباح بودن آواز رأی دارند.

یک حدیث صحیح در حرمت آواز خوانی و موسیقی در کتب حدیث نیست. رسول صلی الله علیه و سلم آواز دف و مزمار (توله) را بدون حرج استماع می کردند. پیغمبر صلی الله علیه و سلم آواز ابی موسی الأشعری را مدح نمودند و برایش گفت: «لقد أوتیت مزماراً من مزامیر آل داود» به تو صدای خوبی مانند صدای خوش آل داود داده شده.⁵¹

⁵¹. البخاری (5048)، مسلم (793)، آل داود یعنی حضرت داود علیه السلام، عدّه مراد به مزمار را صدای خوب و قشنگ می دانند / اسلام ویب / www.islamweb.net

مرحوم محمد الغزالی میگوید: اگر مزمار (نی) آله موسیقی زشت می بود، رسول صلی الله علیه و سلم آواز ابو موسی را به آن تشبیه نمی کرد.⁵²

در منع موسیقی از احادیث ضعیف بیشتر استفاده شده، بطور مثال چند حدیث را ذکر می کنیم:

حرمت آواز خوانی و وسائل موسیقی در سنت نبوی حرمت دارد. ابن حزم می گوید: فروش شطرنج، پارچه های موسیقی، آلات موسیقی، طنبور همه حلال اند و اگر شخصی یکی از این ها را بشکند باید قیمت آنرا بپردازد، زیرا مال مالک آن است. ابن حزم اضافه می کند: هیچ نص در حرمت آواز خوانی و موسیقی نیامده است و ابو حنیفه پرداختن قیمت آلات موسیقی شکسته شده را واجب می داند.⁵³

از عائشه رضی الله عنها روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت: «إن الله حرم المغنیه و بیعها و ثمنها و تعلیمها و الاستماع إليها». خداوند خواننده زن (مغنیة) و خرید و فروش او، درآمد حاصل از او، آموزش او و گوش دادن به او را حرام کرده است. همچنان هر نوع معامله یا کسب مالی که با آن مرتبط باشد، از جمله خرید و فروش و درآمدهای حاصل از آن نیز حرام شمرده شده است.

تفسیر دقیق این حدیث و اینکه در چه شرایطی و به چه منظور گفته شده، نیاز به بررسی دیدگاه های فقهی مختلف و شرایط خاص اجتماعی و دینی دوران بیان آن دارد.

ابن حزم سند حدیث را بررسی کرده می نویسد: در روایان حدیث (لیث) است و او ضعیف می باشد، سعید بن ابی رزین، مجهول هویت است و نمی دانم کی است؟ از برادرش! نمی دانیم چه از برادرش.

⁵² محمد الغزالی، همان مرجع، صفحه 98.

⁵³ محمد الغزالی، همان مرجع، صفحه 82.

مکحول از عائشه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت:

«من مات و عنده جاریه مغنیه فلا تصلوا علیه». اگر کسی وفات کرد و نزدش آواز خوان زن بود بر او نماز نخوانید. ابن حزم میگوید: مکحول عائشه را ندیده بود، و هاشم و عمر راویان مجهول اند.

البخاری از ابی مالک الأشعری روایت می کند که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنید که گفت: «لیکونن من أمتی قوم یستحلون الخز و الحریر و الخمر و المعازف». در امت من قومی اند که خز (پارچه مخلوط با ابریشم) ابریشم، خمر و آلات موسیقی را حلال می دانند.

أهل حدیث می گویند حدیث در معلقات البخاری است و امام ابن حزم می گوید: سند حدیث مقطوع میباشد، بین البخاری و صدقه بن خالد راوی حدیث ارتباط نیست.⁵⁴

هنر در عصر رسالت :

در عصر رسالت و خلافت راشده زنان نقش برازنده را با مردان در ساحت ادبیات و شعر داشتند، بطور مثال:

- الخنساء: الخنساء در ادبیات و شعر و خطابه علامه زمان خود بود. روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم شعر الخنساء را می پسندید و به اشعار او استناد می کرد.
- اروی بنت الحارث: در مقدمه شعراء بود.

⁵⁴. «معلقات بخاری» به احادیث گفته می شود که امام بخاری در کتاب «صحیح بخاری» آنها را بدون ذکر کامل سلسله راویان (یعنی به صورت ناقص از نظر سند) آورده است. به عبارت دیگر، در این نوع احادیث، امام بخاری سند حدیث را به طور کامل نقل نمی کند و تنها بخش هایی از آن را ذکر می نماید یا حدیث را به شکلی مرسل نقل می کند.

- میمونه بنت عبد الله ، صفیه بنت عبد المطلب ، هند بنت آثاته ، زینب بنت العوام بن خویلد خواهر الزبیر مهمترین شعراء و ادباء بودند.⁵⁵

امام الشوکانی در « نیل الأوطار » می گوید: أهل المدینه و علمای متفق با نظر ایشان و علمای الظاهری و جماعت از صوفیان به آواز (غناء) با عود جواز می دانند. ابو منصور البغدادی الشافعی در کتاب خود بنام « السماع » حکایت می کند که عبد الله بن جعفر در غناء مشکل نمی دید و برای دوشیزه جوان که در منزلش کار میکرد لحن تألیف می کرد.

همچنان از القاضی شریح و سعید بن المسیب و عطاء بن ابی رباح ، الزهری و الشعبی نقل شده که در غناء مانع نمی دیدند.⁵⁶

علامه ابو عمر الأندلسی در « العقد » روایت می کند که عبد الله بن عمر به منزل ابن جعفر داخل شد و دید که عود بدست کنیزش است، ابن جعفر از ابن عمر پرسید: آیا در مورد عود و دوشیزه جوان آواز خوان چیزی می بینید؟ عبد الله بن عمر گفت: نه خیر، یعنی مانع در آن نیست.⁵⁷

غناء در عهد رسالت

امام بخاری و امام مسلم از عائشه رضی الله عنها روایت می کنند که گفت: ابوبکر داخل منزل شد، در آنوقت دو دختر از انصار آواز می خواندند. ابوبکر گفت: مزمار شیطان در بیت رسول الله؟ این حکایت در روز عید بود. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: یا ابوبکر برای هر قوم عید است و این عید ماست. هر دو دختر جوان بودند.

⁵⁵. شوقی ضیف ، تاریخ الأدب العربی ، العصر الإسلامی ، دارالمعارف مصر ، صفحہ 42. فضل غنی مجددی ، مطالعه اسلامی در باب هنر و موسیقی . الموسیقی و الأدیان /

www.maghress.com>tetouan

⁵⁶. القرضاوی ، فتاوی معاصرة ، صفحہ 540

⁵⁷. فضل غنی مجددی ، همان مرجع ، صفحہ 138.

همچنان بروایت امام بخاری و امام مسلم، رسول الله صلی الله علیه و سلم از عائشه پرسید: آیا با عروس کسی را فرستادی تا آواز بخواند، و اضافه نمودند که انصار لهو را دوست دارند. لفظ لهو در حدیث به معنی آواز خواندن است.

با ظهور ابزار جدید موسیقی، فقهان متأخر نیز در باره ماهیت غناء بحث کرده اند و لوازم جدید موسیقی را شامل موسیقی دانسته اند.⁵⁸ مذاهب معتبر اسلامی، به مباح بودن آواز با موسیقی و بغیر از موسیقی نظر دارند. دلیل حرمت موسیقی را نزد عدّه از فقهاء میتوان نخست در آمیختگی آوازها و سرودها با مسائل حرام دیگر مانند خمر و رقص زنان و لهو و لعب دانست، همین آمیختگی برای مسلمانان آن زمان کافی بود تا از آن دوری کنند. فقهاء در مورد تحریم و جواز موسیقی و غناء پیشنهادات ذیل را تقدیم می کنند:

- در تحریم غناء و موسیقی نص صریح نیست.
- خداوند طیبات را در اسلام حرام نساخته.
- مراعات صورت و شکل اسلام در نظر دیگران.
- واجب بودن بحث و نظر به موضوعیت دور از عاطفه.
- عدم مقارنه غناء به حرام.
- عدم انکار در مسائل اجتهادی.⁵⁹

58. شریف، میر محمد، هنرهای اسلامی، مرکز نشر دانشگاهی تهران 1382.

59. احمد (5/353-356)، الترمذی (3691)، ابن حبان (4386)، البیهقی (10/77).

الشوکانی، نیل الأوطار، جلد 8، صفحه 104، عنایة عبد الرحمن عبد الصمد، التشکیل التخیلی و الموسیقی فی شعر، یوسف عبد القادر الرشید، فنون الموسیقی و الغناء، ملا جلیل صادق الباخرنیقی، حکم الأغانی و الموسیقی وفق الكتاب و السنة، محمد مصطفی محمد، الأغنائی و الموسیقی حلال PDF

فضل غنی مجددی همان مرجع صفحه 141.

اگر آواز خوان از طبقهٔ نسوان باشد، تشدد بیشتر می باشد به دلیل اینکه صدای زن عورت است و قانون جدید نیز صدای زن را عورت میدانند و برای زن اجازه نمی دهد که در محضر عام حرف بزند و شعر بخواند و یا خطابه بدهد.

بریدهٔ الأسلمی رضی الله عنه گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم به نیت محاربه خارج شد، در وقت خارج شدن زن سیاه چهره آمد و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم اگر خداوند ترا سالم برگرداند در حضورت با نواختن (دف) می خوانم رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر نذر کرده ای پس بزن، زن مشغول آواز و زدن دف بود که ابوبکر و علی و عثمان رضی الله عنهم داخل شدند، زمانیکه عمر داخل شد زن سکوت کرد.

از متن حدیث استنباط می شود:

- 1- جواز خواندن زن در حضور مردان.
- 2- جواز غناء با استعمال آلهٔ موسیقی (دف).
- 3- جواز آواز خوانی در مناسبات خوشی و عودت مسافر بغیر از عید.
- 4- جواز حرف زدن زنان در حضور مردان در اماکن عامه و عدم عورت صدای زن.
- 5- جواز تجلیل زنان با مردان بخاطر پیروزی⁶⁰.

⁶⁰ احمد (356/5/353)، الترمذی (3692)، ابن حبان (4386)، البیهقی (10/77)، ابو داود (3312). دکتور صلاح صالح الراشد، الغناء و الموسيقى (نظرات و مراجعات، صفحات 6-7).

فقهاء باین نظر اند که اسلام موسیقی را مباح ساخته اما بشرطیکه دور از جلوه های زنان (مظاهر نساء) و انحلال اخلاقی باشد و در حدیث صحیح حرمت موسیقی نیآمده، خوب آن خوب و زشت آن زشت است.⁶¹

علماء افغانستان کوشش دارند تا از مذهب حنفی در تدوین احکام و عبادات خارج نشوند، پابندی به مذهب خصوصاً مذهب حنفی که در بین مذاهب اسلامی معتدلتر و قابل قبول جامعه در عصر حاضر است کار نیکو میباشد. اما نباید در تدوین قوانین تنها بیک مذهب اکتفاء کرد به دلیل اینکه یک مذهب در تدوین قانون خلاء قانونی را بوجود می آورد، مذاهب اسلامی در مجموع جمع اجتهادات معاصر و گرفتن مواد از قوانین مدنی که مخالف شریعت نیست قانون را تکمیل می کند.

در منع موسیقی در قانون جدید استنباط به آراء فقهاء مذهب حنفی شده، اما آراء فقهای مذهب در مباح بودن موسیقی مورد توجه نبوده است. در داخل مذهب فقهای بودند که مخالفت با آلات موسیقی نداشتند. نقل شده که امام ابو حنیفه رضی الله عنه رأی به عدم جواز آواز خوانی داشت و شنیدن موسیقی را معصیت می پنداشت. رأی امام در بسا موارد شریعت حساب نمی شود.⁶²

در کتاب «الأختیار لتعلیل المختار» آمده: استماع یعنی گوش دادن، آلات موسیقی مانند: ضرب (آلات که با زدن استفاده میشود) و مزمار حرمت دارد. این طبقه از علماء به حدیث که نافع غلام آزاد شده عبد الله بن عمر استنباط می کنند.

نافع در عقب شتر عبد الله سوار بود، صدای توله از دور شنیده شد، عبد الله برای نافع گفت: من گوش های خود را بسته می کنم و هر وقتیکه صدا خاموش

61. العز بن عبدالسلام، رسالة السماع و قواعد الأحكام، اگست 2017، اسلام ویب / الموسیقی - فی الإسلام / ar.wikipedia.org/wiki/2017

62. عبد الرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة،

شد خبر بدهید. نافع اضافه میکند که عبد الله بن عمر گفت: من با رسول الله علیه و سلم بودم و آنحضرت این طور عمل کردند.

أهل حدیث، حدیث نافع را نقد و ضعف آنرا ثابت ساختند. در نقد حدیث آمده: اگر صدای طوله حرام می بود، رسول الله علیه و السلم برای عبد الله نیز اجاز ه شنیدن را نمی داد، همچنان اگر حرام می بود عبد الله بن عمر برای نافع اجاز ه شنیدن را نمی داد.⁶³

مامورین امارت اسلامی، با پیروی از آموخته های شان مخالف هر نوع موسیقی میباشند، و از آراء شدید در مورد موسیقی حمایت میکنند. نه تنها قانون جدید پخش موسیقی را منع می سازد، بلکه روش بزرگان نیز منع را حمایت و به اجراء می گذارند. بطور مثال: جنرال قنسل افغانستان در پاکستان حاضر نشد در نواختن سرود ملی پاکستان به دلیل موسیقی ایستاده شود. این موقف شدید، باعث مشکلات سیاسی بین دوکشور همسایه شد. دولت پاکستان اعتراض شدید خود را به مقامات افغانستان به دلیل «بی احترامی» به سرود ملی اش ابلاغ کرد.

کنسولگری امارت اسلامی در پشاور از این اقدام حافظ محب الله شاکر، سرپرست این کنسولگری دفاع و تصریح کرده است که این تصمیم به دلیل وجود «موسیقی» در سرود ملی پاکستان بوده است.⁶⁴

چرا فقهاء متاخر در مورد غناء از تشدد کار می گیرند؟

فقهاء متاخر در مسأله منع غناء و آلات موسیقی نسبت به گذشته بیشتر از تشدد کار می گیرند. میتوان سبب تشدد را به نقاط ذیل توضیح داد:

⁶³. شیخ احمد بن عبدالعز حمدان، احکام موسیقی و سرود از دیدگاه اسلام، ترجمه:

عبدالرحیم سالارزهی، جدی 1394/ربیع الاول 1437. / www.aqeedeh.com

⁶⁴. BBC 9/18/2024.

1- گذشته گان بیشتر به آسانی حکم می کردند و روش آسان را در اجتهاد اختیار می نمودند. و متأخرین بیشتر به شدت ، در فتوا های صحابه و تابعین بیشتر آسانی و سهولت بود.

2- فریفته شدن به احادیث ضعیف و موضوعی : فقهاء متأخر بیشتر به احادیث ضعیف و موضوعی رو بر شدند ، چون از اهل تشخیص و بررسی و تحقیق اسانید (جمع سند) نبودند و همچنین به دلیل اینکه تعدد طرق (تعدد راه ها) ضعیف را قوی می سازد توجه نداشتند.

3- واقعیت غناء و موسیقی معاصر که از دایره اخلاق فاصله گرفت، فقهاء منع و حرمت را نسبت به جواز ترجیح دادند.

4- مراجعه غناء و موسیقی قبل از امارت اسلامی ، یعنی سالهای جمهوریت و اشغال نظامی ، نشان می دهد که موسیقی و غناء نه نزدیک به اسلام بود و نهم قریب به عقیده و رسم و عادات جامعه. موسیقی و غناء با رقص و بچه بازی و انتخاب اشعار نامناسب یکجا شد. این عوامل سبب آن شد که قانون جدید موسیقی را در بدل اصلاح کاملاً حرام سازد. حرام کردن حلال نتیجه عکسی را بار می آورد. باید توجه به اصل هنر موسیقی شد و هنر موسیقی و غناء را تشویق و اصلاح کرد.

برای روشن ساختن بیشتر در این قسمت نظریات فقهاء بزرگ اسلامی را می آوریم تا موضوع حرمت ، جواز و عدم جواز موسیقی واضح تر شود.

فقهاء و علمای بزرگ که امامت و عدالت شان به اثبات رسیده و در مسائل مهم فقهی استادان زمان خود بودند در پهلوی علوم شرعی حضور موسیقی را مانع نمی دیدند.

فقیه قاضی مالکی و مؤرخ ابن خلدون (ت 808/1404) در مقدمه خود فصل به عنوان (صناعة الغناء) دارد. ابن خلدون تأسیس غناء و تطور و تحول و

دگرگونی و تغییر صنعت آلات موسیقی را در ولایات مختلف در دائره مدنیت اسلامی در جریان قرنهای بحث می کند.

ابو حامد الغزالی در کتابش «إحیاء علوم الدین» مسأله غناء و موسیقی را به بحث گرفته است.

محدث و فقیه مذهب ظاهری ابوالفضل محمد بن طاهر القیسرانی (1113/50) در کتاب خود بنام (کتاب السماع) در موضوع غناء و موسیقی بحث جالب دارد.

مجد الدین الفیروز آبادی (1249/817) تصنیف در حکم سماع دارد.

ابن حزم الأندلسی (1065/456) تألیف به عنوان (رسالة فی الغناء الملهی) دارد. او در بحث خود از مباح یا غیر مباح بودن موسیقی سخن دارد.

ابن تیمیه (1347/728) رساله السماع و الرقص دارد.

امام الذهبی (1347/748) رساله به عنوان (رسالة الرخصة فی الغناء و الطرب بشرطه) دارد.

امام سلفی محمد بن علی الشوکانی (1834/1250) ضمن فتوا رساله بنام (إبطال دعوی الإجماع فی تحریم مطلق السماع) دارد.

در کتاب ابی الفتوح الغزالی (1126/520) عنوانی بنام (بوارق الإلماع فی تکفیر من یحرم السماع) است. امام ابی الفتوح در جمله فقهاء و برادر امام حامد الغزالی بود.

احتیاط در اصدار حکم حلال و حرام

علامه یوسف القرضاوی، علماء را متوجه فتوا در (حلال و حرام) ساخته می نویسد: علماء در دادن فتوا و کلمه حرام بیشتر توجه داشته باشند و در دادن فتوا به حرام از عقوبت الهی بترسند. امام مالک رضی الله عنه می گوید: هیچ

چیز برای من مشکلتر از سؤال کردن در مسأله حلال و حرام نیست ، به دلیل اینکه این مسأله از حکم الله است.

امام شافعی در « الأم » به نقل از امام ابی یوسف صاحب ابوحنیفه می نویسد که گفت: مشایخ ما از اهل علم کراهیت داشتند که بگویند این حلال است و آن حرام ، مگر اینکه در کتاب الله عزوجل واضح و بدون تفسیر آمده باشد.⁶⁵

ماده چهارم

این قانون در تمام ادارات ، امکان عمومی و بر اشخاصی که در قلمرو افغانستان اقامت دارند ، تطبیق می شود. این ماده به مراجع مهم استنباط کرده است و همه مراجع قابل احترام می باشد.

اما قانون توضیح نداده که بکدام دلیل فقهی قوانین اسلامی را بالای غیر مسلمانان در قلمرو اسلامی مانند افغانستان تطبیق می کند. در افغانستان غیر مسلمانان مثل هندو زندگی دارند و در جمله اتباع کشور به حساب می آیند. نمایندگان کشورهای غیر اسلامی در افغانستان حضور دارند ، گردشگران غیر مسلمانان و تجار در افغانستان رفت و آمد دارند ، همچنان تعداد زیاد از مسلمانان افغانستان از مذهب امام جعفر الصادق رضی الله عنه « مذهب جعفری » که در بسا نقاط با مذهب حنفی توافق ندارد پیروی می کنند. در فقه اسلامی است ، قوانین اسلامی خصوصاً آنچه به حلال بودن و حرام بودن اشیاء مانند نوشیدن خمر و قمار و سود میباشد بالای غیر مسلمان تطبیق نمی شود و غیر مسلمان حق دارد در منزل و اطاق خود شراب بنوشد.⁶⁶

قانون مسافه را بین اهل تسنن و اهل تشیع بیشتر می سارد. در نظام جمهوریت قانون احوال شخصی اهل تشیع مستقل بود و نظام آنرا قبول کرده

⁶⁵. یوسف القرضاوی ، الإسلام و الفن ، مؤسسة الرسالة 2000 م ، صفحات 74-75.

⁶⁶. از اختلاف و توافق بین مذهب جعفری و حنفی مراجعه شود: فضل غنی مجددی ، مطالعه تهمیدی در فقه حنفی و جعفری (توافق و تفاوت).

بود. بهتر است تا کمیته از علماء اهل سنت و تشیع تشکیل شود و در موارد اختلاف فیه به توافق برسند. در غیر آن در خفاء قوانین اجراء می شود و محتسب نمی تواند جلو تطبیق قوانین را بگیرد. مناقشه بین علماء بهترین وسیله برای رسیدن به توافق مذهبی و قانونی میباشد.

ماده بیست و دوم :

محتسب مسئولیت دارد، از منکرات خاص ذیل جلوگیری نماید:

فقره (1): زنا اگر به زور باشد یا به رضاء، اگر پنهان باشد یا آشکار باشد، همچنین نکاح به طریقه (متعہ) نیز جایز نیست. این فقره به منابع زیاد استنباط نموده است.

زنا در شریعت از گناهان بزرگ به حساب می آید و بنام عمل فحشات یاد می شود، دولت و جامعه مکلفیت دارد با عمل فحشات مخالفت کنند و مانع آن شود.

در قانون کلمه پنهان و آشکار و به زور و رضاء ذکر شده. بین این طریقه ها تفاوت زیاد است و در هر مورد فقه اسلامی قوانین و عقوبت معین را تعیین نموده است. زنا با استفاده از زور و فشار در قانون شریعت تجاوز به حساب می آید، در تجاوز تنها مرد مجزات میشود نه زن.

اثبات عمل زنا، کار آسان نیست که محتسب بتواند آنرا ثابت کند و مطابق شریعت مانع اجراء آن شود. عمل زنا عموماً پنهان است و ممکن نیست آشکار باشد، اگر آشکار باشد به معنی این است که جامعه کاملاً فاسد شده. زنا غیر آشکار اثبات آن بسیار دشوار است و باید چهار شاهد که بچشم عمل زنا را مشاهده کرده باشند و یک تار یا ریسمان را بین زن و مرد تیر کرده باشند. و اگر شاهدان به کذب شهادت داده باشند در فقه اسلامی جزاء سنگین بالای شان تطبیق میشود. در اثبات زنا در عصر حاضر نظر طیب ضروری میباشد، زیرا پرده بکاره به طرق مختلف غیر از زنا ممکن صدمه ببیند.

بهترین روش مانع زنا، آسان ساختن ازدواج است، هر قدر مسائل ازدواج آسان باشد به همان اندازه عمل فحشات کمتر می شود. منع کردن اختلاط بین زن و مرد صدمه بزرگ برای ازدواج وارد میکند و جوانان محروم از انتخاب سالم میشوند.

موضوع متعه، از موضوعات فقهی و اختلاف بین فقه تسنن و تشیع میباشد. در داخل مذهب جعفری در بعض کشورها متعه اجازه نیست، اما در افغانستان و ایران اجازه میباشد. این مورد باید بین علماء مذهب حنفی و جعفری حل و فصل شود و محتسب مانع آن شده نمی تواند. و از وظایف محتسب نیست که در موارد اختلاف بین مذاهب مداخله کند.

منع بچه بازی، زنکه بازی و قمار از امتیاز قانون جدید است. اما فقره ششم که بنام «قمار» است، تخم جنگی، تشله بازی، بجل انداختن، چهار مغز بازی و غیره بازی ها را زیر نام قمار آورده که صحت ندارد، این ها بازی های اطفال کوجه بود و میباشد.

مسئولیت محتسب در رابطه به منکرات خاص

ماده بیست دوم:

این ماده شامل (26) فقره است، بیشتر فقره ها قابل نقد میباشد. مثلاً فقره (19) که در آن آمده: اصلاح موها بر خلاف شریعت اسلامی. فقره (20) دوستی با کفار و مشابهت صورت و سیرت با آنها.

این دو فقره توضیحات بیشتر را مطالبه می کند. شکل و صورت مو و ترشیدن سر و انتخاب لباس با ستر در جوامع اسلامی نظر به عادات و عرف جامعه متفاوت است و اسلام شکل معین را معرفی نکرده است. نباید محتسب در خیابانها موهای بچه جوان را قیچی کند. این عمل مخلف آزادی های بشری است که اسلام آنرا محدود نساخته است.

ماده بیست و دوم

فقره: 20: عدم دوستی و همکاری با کفار

در منع دوستی با کفار قانون آیه (51) سوره المائده را دلیل به عدم دوستی و همکاری با کفار آورده است. آیه مبارکه معنی و مفهوم دیگر را بغیر از مفهوم که قانون از آن گرفته افاده میکند. باید در معنی و مقصد آیه دقت بیشتر می شد.

آیه (51) المائده بحیث مرجع معتبر در قانون ذکر شده. «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لا یهدى القوم الظالمین». ای مؤمنان! یهود و نصاری را اولیاء (دوستان و همکاران صمیمی در مقابل مؤمنان) نگیرید، آنها دوستان یکدیگر اند، و هر که از شما با آنان دوستی کند (در کفر و ستم با آنها همکاری نموده و در امور خود متکی به ایشان باشد) واقعاً که او از جمله آنها محسوب می گردد. همانا خداوند قوم ستمگاران را هدایت نمی کند.

قانون آیه مبارکه را در مورد و جای مناسب استفاده نکرده و مسلمانان را بطور عموم با همکاری و دوستی با کفار منع می کند. وزارت خارجه افغانستان سعی دارد تا دوستی و همکاری کشور های غیر اسلامی را بدست آورد، اما نظر باین قانون محتسب صلاحیت دارد تا وزارت خارجه را محاسبه کند و از دوستی با کشور های غیر اسلامی منع کند. افغانستان در وقت حاضر با دولت چین که از اهل کتاب نیست و به هیچ دین سماوی اعتراف ندارد، دوستی بسیار نزدیک دارد.

برای قانونگذاران واجب بود تا آیات قبل و بعد این آیه را بدقت مطالعه می کردند. امام محمد الغزالی صاحب کتب زیاد و بانی تفسیر موضوعی قرآن کریم در اوائل قرن بیستم در مورد آیه می نویسد: «چرا بعض مسلمانان در آخر آیه توقف می کنند و آیات بعدی را مطالعه نمی کنند. آیه معطوف به بعد آن به حرف (فاء) است، که ترتیب و تعقیب را نشان میدهد، و شرح می کند

مقصود از منع را. مقصد از آیه کریمه قطع دوستی و رابطه با کفار در حالت جنگ است نه در حالت صلح. تمام کشورها اتباع شان را در وقت جنگ با کشوری که داخل جنگ است از رابطه و دوستی منع می کند. آیه (51) المائده نیز مسلمانان را در وقت جنگ به همکاری با کفار که جنگ را علیه مسلمانان شروع کرده اند منع می کند. اما در اوقات صلح دوستی و همکاری یک امر طبیعی بین ملت ها میباشد.⁶⁷

استاد پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت در تفسیر آیه مبارکه می نویسد:

« منظور آیه مبارکه قطع روابط با یهود و نصاری در حالت صلح نیست، بل ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی در حدود منافع مشترک با آنها مانعی ندارد و تأکید این آیه کریمه در آنست که مؤمنان در ساحه عقیده و مصالح حقیقی خود به غیر مسلمانان چنان اعتماد و اتکاء نکنند که سرپرستی و صلاحیت امور شان به آنها تعلق بگیرد و یا در مقابل مؤمنان با کفار هم پیمان شوند.⁶⁸»

67. محمد الغزالی، الحق المر، الشرق الأوسط، العدد 5975، السبت 1995/4/8.

معطوف: در ادبیات به معنای گرایش یافته. در نحو و دستور زبان: معطوف به کلمه یا عبارتی گفته می شود که به وسیله حرف عطف به کلمه یا عبارت دیگری مرتبط شده باشد. به طوری کلی، معطوف یعنی چیزی که به سمت دیگری متمایل یا وابسته شده باشد. در ادبیات قرآن کریم، حروف عطف به کلماتی اشاره دارد که دو یا چند جمله، عبارت یا کلمه را به یکدیگر پیوند می دهند. حروف عطف در قرآن کریم نقش مهمی در ساختار معنایی و بلاغت آیات دارند.

حروف عطف در قرآن کریم عبارت اند از:

(و) - (ف) - (ثم) - (أو) - (بل) - (لکن) - (حتی). این حروف عطف در قرآن کریم نقش بسیار مهمی را در انتقال مفاهیم، ایجاد ترتیب و ارتباط بین معانی دارند و بخشی از زیبایی و بلاغت زبان قرآن را تشکیل می دهند.

68. دکتور عبدالستار سیرت، ترجمه معانی و تفسیر مختصر ده جزء اول قرآن کریم: چاپ سوم 1391 شمسی / 2012 میلادی. قابل تذکر است که اکثر آیات که در این تحقیق آمده از تفسیر دکتور صاحب سیرت گرفته شده است.

قانون گذاران متأسفانه به آیه پنجم سوره المائده که روابط دوستی و همکاری را بین مسلمانان و کفار خصوصاً اهل کتاب تنظیم می کند توجه و دقت نکردند.

آیه (5) المائده رابطه را بین مسلمانان و کفار که بنام اهل کتاب نیز یاد شده معرفی میکند. «الیوم أحل لكم الطيبات و طعام الذین أتوا الکتاب حل لكم و طعامک حل لهم المحصنات من المؤمنات و المحصنات من الذین أتوا الکتاب من قبلکم». امروز همه چیزهای پاکیزه برای شما حلال شد، و طعام اهل کتاب برای شما و طعام شما برای آنها حلال است، و {نیز} زنان پاکدامن مؤمن و زنان پاکدامن آنانکه پیش از شما به آنها کتاب (آسمانی) داده شده، برای شما حلال است.

قرآن کریم در این آیه از طعام و دختران اهل کتاب سخن دارد و طعام اهل کتاب را برای مسلمانان حلال گردانیده و همچنان ازدواج با دختران اهل کتاب را. خوردن طعام باین معنی است که مسلمانان میتوانند در مجالس اهل کتاب و اهل کتاب میتوانند در محافل مسلمانان اشتراک کنند و در دور یک میز با هم نشسته غذاء تناول نمایند، این عمل روابط اجتماعی را تقویت می بخشد. و مقصد نیز تقویت روابط اجتماعی میباشد، نه تنها موضوع حلال و یا حرام ساختن.

در سیرت سید البشر صلی الله علیه و سلم، مثالهای زیاد از همکاری و ترحم با کفار داریم. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از مریضی خانم یهودی اطلاع یافت، فوراً بدیدنش رفت. این یکی از نمونه های روابط اجتماعی با غیر مسلمان است و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در سیرت عملی خود ما را درس دادند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از تاجر یهودی (شعیر) جو به قرض گرفتند، در پرداخت تأخیر پیش آمد، تاجر یهودی از آنحضرت شکایت کرد. در مدینه منوره صدها تاجر مسلمان بود، چرا رسول الله از غیر مسلمان

قرض گرفت؟ به خاطری که مسلمانان را متوجه سازند که با غیرمسلمان میتوانند معاملات اقتصادی نمایند.

ازدواج با دختران اهل کتاب، رابطه صلۀ رحم را بوجود می آورد. خانواده دختر با جوان مسلمان رشته قرابت پیدا می کند و برای جوان مسلمان واجب میشود تا احترام خانواده زنش را داشته باشد و در مراسم شان مثل جنازه و عروسی اشتراک کند، اما تقلید شانرا نکند. در مورد میراث نیز مراکز اسلامی فتوا به گرفتن میراث را از غیر مسلمان جائز می دانند باین معنی که شوهر از زن غیر مسلمان خود میراث میگرد. و زن غیر مسلمان از شوهر مسلمان اش.

شوهر مسلمان حق منع همسر غیر مسلمان خود را از رفتن به عبادتگاه ندارد و باید دین همسر غیر مسلمان احترام شود. مجلس دار افتاء اروپا در جواب خانم غیر مسلمان که شوهرش او را از رفتن به کلیسا منع می کند این فتوا را صادر کرده است:

شوهرت راضی بود که با تو با اختلاف دین ازدواج کند. از حق او (شوهر) نیست که شما را از خصوصیت های دینی تان منع کند و تجلیل ضمن خصوصیت های دینی است، خصوصاً اگر محافل در بین شما و خانواده شما و اقارب و دوستان شما باشد. اما بیک شرط که این محافل حق شوهر و اولاد را متضرر نسازد و ضرر برای شخص شما نرسد. حفظ خانواده مقدمتر از مناسبات است.

مسلمانان از صدر اسلام با اهل کتاب روابط حسنه داشتند. اولین قانون اساسی در دولت اسلامی که بنام «صحیفة المدینه» میثاق المدینه یاد شده، در قانون مفهوم امت این طور تعریف شده. امت در مفهوم قانون شامل تمام مسلمانان (مهاجر و انصار) و باشندگان در قلمرو دولت اسلامی در هر دین و آهیین که باشند است. قانون یهودان را جزء باشندگان دولت اسلامی شناخت. ماده 16 وضعیت یهود را در دولت تثبیت کرد.

دارالافتاء و مراکز تحقیقات اسلامی فرستادن کارت مبارکی را در روزهای عید اهل کتاب و رفتن به مهمانی شان و اشتراک در جنازه های شان جائز می داند و از جمله معامله حسنه می دانند. فقهاء و علمای معاصر در مورد رابطه دوستی با اهل کتاب و با غیر اهل کتاب نظریات جالب و اجتهادات مهم دارند بطور مثال:

فقهی معاصر علامه مصطفی الزرقاء این فتوا را میدهد:

فرستادن و دادن مبارکی برای عیسویان در عید میلاد حضرت عیسی علیه السلام در جمله معامله حسنه است و اسلام ما را از این قبیل معامله حسنه منع نمی کند.

روایت شده که رسول صلی الله علیه و سلم با صحابه نشسته بودند و جنازه یهودی گذشت، آنحضرت صلی الله علیه و سلم ایستاده شدند.⁶⁹

مرحوم دکتور یوسف القرضاوی این فتوا را داده بود

فرستادن سلام و کارت برای غیر مسلمان از اخلاق مسلمان نمایندگی می کند، و در این کار مانع در شریعت نیست. در وقت حاضر مسلمانان بسیار ضعیف و ناتوان اند، از فقه مصلحت و فقه ضرورت است تا مسلمانان با غیر مسلمانان روابط حسنه و همکاری مشترک داشته باشند.

منع به همکاری با غیر مسلمانان، افغانها را با تعامل با اهل هنود منع می کند و مشکلات اقتصادی را بوجود می آورد و تجارت را متضرر می سازد. منع دوستی و همکاری، در بدل همکاری و مشارکت دشمنی و عداوت و مسافه را بین مسلمانان و غیر مسلمانان در زمانیکه جامعه اسلامی جزء از جامعه غربی شده و منافع و مصالح بین مسلمانان و غیر مسلمانان مشترک شده بشتر می سازد، اطمینان و اعتماد را بین مسلمانان و غیر مسلمانان از

⁶⁹ البخاری (1311) فی الجنائز ، باب من قام لجنازة یهودی ، مسلم (960) ، ابو داود (3174) ، النسائی (1922) .

بین بر میدارد، دشمنی و کینه های گذشته تازه میشود. از این فقره در قانون دشمنان اسلام بیشتر استفاده می کنند و مردم خود را هوشدار می دهند که مسلمانان با شما دوست نیستند.

مسئولیت محتسب در رابطه به مطبوعات و اطلاعات

ماده هفدهم:

فقره 3: نشر مطالبی که عکس های ذی روح (جاندار) در آن نباشد. فقره سوم مانع نشر عکس های ذی روح میباشد.

ماده 22:

فقره 9: تهیه و تماشای عکس و فلم اشیای ذی روح در کمپیوتر، موبایل و سایر اشیای مانند آن.

فقره 9، عکس حیوان را حرم شدید و از جمله کبائر می داند. و ذکر شده که ابی حئیفه و مالک و الثوری و دیگران میگویند که بین اجسام سایه دار و غیر سایه دار تفاوت نیست و عکس مانع دخول ملائکه در خانه می شود (صفحه 60 قانون).

قانون نمایش برنامه ها و محافل و افلام، درامه، سینما، رسامی، تلویزیون و غیره وسائل که در آن عکس به نمایش گذشته میشود مانند تلفون، کمپیوتر و غیره را حرمت و حرام می سازد و محتسب صلاحیت کامل برای تفتیش و منع را مطابق قانون دارد.

موقف اسلام از مدنیت معاصر

سینما، تیاتر، موسیقی، هنرها، رسم، حکاکی (تراشیدن یا شکل دادن بیک ماده سخت مانند سنگ، چوپ یا فلز)، عکاسی، فلم برداری و غیره امور ارتباط به هنر و مدنیت معاصر دارد.

آیا شریعت اسلامی همه موارد فوق الذکر را حرام ساخته و مرتکب آن باید مجازات شود؟ آیا مدنیت اسلامی در ساحة هنر و اشیاء که قانون جواز نمی

داند ، عاجز است؟ آیا مسلمانان در طول تاریخ در ساحة هنرها نقش فعال و مثبت نداشتند؟ آیا اسلام فقط عبادت است؟ بعض مردم تصور و خیال کرده اند که اسلام مانع سرور و رفاهیت و تفریح است و مسلمان باید از جلوه‌ها و زیبایی‌های طبیعت دور باشد و مانند مریض روانی زندگی کند . بعضی اشخاص در جوامع اسلامی هستند که مشکل روحی و روانی شانرا به مردم تقوی نشان میدهند و مانع انواع خوشی می شوند.

مدنیت جدید و معاصر نتیجه زحمات شبا روزی انسان بعد از سالها بحث و تحقیق است. وسائل جدید ، وسائل فتنه و فساد نیست اگر انسان از آنها استفاده صحیح و سالم کند و ممکن هم وسیله غیر مشروع در صورت استفاده غیر سالم باشد.

عکس اگر برقی باشد یا (قلمی) یعنی رسم ، در اصل نظر به حدیث که امام مسلم روایت کرده مباح است . « إلا رقماً فی ثوب » ، به این معنی که «تصویر(نقش) ، در لباس (جایز است) . « و حدیث رزین که از عبدالله بن عیاش در مورد گرفتن اجر از کتابت مصحف ، که گفت : « لا بأس إنما هم مصورون ، آنهم إنما یا کلون من عمل أیدیهم». باین معنی اشکالی ندارد ، آنان تنها تصویرگران هستند و ازدسترنج خود شان روزی می خورند.

این حدیث به وضعیت افرادی اشاره دارد که شغلشان تصویرگری یا نقاشی است. رسول صلی الله علیه وسلم در اینجا اشاره می کند که چون این افراد از تلاش و کار خود شان روزی می گیرند و در حال تأمین معیشت خود هستند ، ایرادی در کارشان نیست.

امام محمد الغزالی می گوید: در این او اخر مفتی های ظهور کرده اند که فتوا به حرمت تصویر ، عکس ، یا رسم در روی کاغذ باشد میدهند ، این فتواها و طرز تفکر به معنی از بین رفتن یا نابودی دین و دنیا است ، و اصول و ارزش های دینی تضعیف و فراموش می شوند و جامعه از پیروی صحیح از

دستورات دینی فاصله می گیرد. غیر مسلمانان حاضر نمی شوند دین اسلام را بپذیرند.⁷⁰

قانون برای حرام ساختن فوتو (Photo) که در اصطلاح ادبیات دری عکس گفته می شود از احادیث استفاده نموده. احادیث که در مورد استفاده شده از نظر متن و سند صحیح است، متن و روایان احادیث صحت دارد. اما قانونگذاران در مقاصد احادیث بحث و تحقیق نکرده اند و ممکن است علم مقاصد قرآن کریم و احادیث را مطالعه نکرده اند، از جانب دیگر شرایط آنزمان که بت پرستی تا هنوز ادامه داشت و اسلام در قلوب مردم نقش نشده بود، و رسول الله صلی الله علیه وسلم ترس داشتند تا مجسمه سازی و رسم معبودان و حیواناتیکه پرستش می شدند به عبارت دیگر شرک تجدید نشود.

قرآن کریم تصویر را عمل از اعمال الله تبارک و تعالی می داند، صورت جمیل و خصوصاً کائنات زنده و در مقدمه همه انسان. در قرآن کریم میخوانیم: «هو الذی یصورکم فی الأرحام کیف یشاء» (آل عمران: 6). اوست خدائی که بیافریند صورت شما را در رحم مادران و هرگونه که خواسته باشد.

قرآن کریم در جمله اسماء الله الحسنی اسم «المصور» را می آورد: «هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء الحسنی» (الحشر: 24). اوست خداوند، خالق، پدید آورنده و صورتگر. برای اوست زیباترین نام ها. آنچه در آسمان ها و زمین است او را تسبیح می گویند. اوست توانای شکست نا پذیر، حکیم.

⁷⁰. محمد الغزالی، همان مرجع، صفحات 98-99.

استاد دکتور عبدالستار سیرت در معنی المصور می نویسد: او الله، ذاتی است که خلقت اشیاء و جهان ها را اراده و تقدیر فرمود. آفریدگار جهان هستی از حالت نیستی، شکل دهنده و صورت بخش جهان خلقت.⁷¹

تصویر در سنت نبی صلی الله علیه و سلم

در سنت نبوی احادیث صحیح زیاد است، که اکثر آن تصویر و تصویرگران را نکوهش می کند. بعض احادیث تصویر را تحریم می کند و برای تصویرگران وعده عذاب را میدهد.

بعض احادیث بودن عکس را در منزل سبب می شود که ملائکه داخل نشوند، عدم داخل شدن ملائکه به معنی محروم شدن از رحمت و برکت است. دقت و تأمل در معانی احادیث ذکر شده در مورد تصویر و داشتن عکس، و مقارنه بین بعض از احادیث با بعض دیگر را علامه القرضاوی به این معنی تعبیر و تفسیر می کند:

منع و حرمت در احادیث بدون دلیل و خود سرانه نیست، بل در عقب آن علل و مقاصد که شریعت برای رعایت و تحقیق آن دارد میباشد.⁷²

تصاویر که ممنوع شده اند عبارت اند از:

- تصویر که تقدیس و تعظیم می شود.
- تصویر که تعبیر از شعائر دین دیگر باشد.
- تصویر که تشبیه به خلق الله باشد. در این مورد حدیث عائشه از نبی الله صلی الله علیه و سلم روایت شده که گفتند: « اشد الناس عذاباً یوم القیامة: الذین یضاهون بخلق الله». (متفق علیه). سخت ترین عذاب ها در روز قیامت برای کسانی است که در خلق (آفرینش) خداوند تقلید می

⁷¹ پروفیسور داکتر عبدالستار سیرت، شرح مختصر اسماء الحسنی، 2017، صفحه 31.

⁷² الدکتور یوسف القرضاوی، الإسلام و الفن، 2000/142، مؤسسة الرسالة، صفحات

کنند و در متون دینی اسلامی، چنین کارهایی نوعی از تقلید از آفرینش الهی تلقی می شود و از آن نهی شده است.

فقهاء احادیث منع تصویر و مجسمه را بررسی کرده می گویند: تحریم فقط در مجسمه است، اما عکس ها و لوحه ها بالای کاغذ، دیوارها، چوب، فقط در آن کراهیت است چنانکه امام الخطابی ذکر می کند. اما رسم و عکسهای که به میلیون ها دالر بفروش میرسد در اسلام اصراف تلقی شده حرمت دارد.

فقهاء مجسمه های که برای بازی اطفال ساخته می شود، مانند: گدی، سگ، و غیره و اطفال با آنها بازی می کنند و به قصد عبادت و تعظیم نمی باشد جواز می دهند.

عکس، نشر اخبار و مناسبات رسمی و غیر رسمی، فلم سینمایی، پخش برنامه های تلویزیونی، تیاتر از قدیم الزمان بصورت و شکل که امروز موجود است نبود، لذا نمی توان قیاس به گذشته حکم بالای آن به حلال بودن و حرام بودن کرد. عکس امروز توسط کمره، ویدیو کمره به هدف نشر یک خبر و یا یک حادثه و یا خاطره گرفته می شود نه به هدف عبادت و تعظیم شخصیت های دینی. علماء و فقهاء با اجماع حکم به مباح بودن عکس دارند.

خلاصه کلام: عکس اگر به هدف و نیت عبادت و تعظیم باشد، یا برای نشر فتنه و فساد اخلاقی بدون شک حرام است، اما اگر به هدف ضرورت های عصر باشد، مثل عکس های خانوادگی، مناظر طبیعی، نشر اخبار زنده، راپور های تلویزیون، فلم های تربیوی و سیاسی همه مباح و اهمیت فوق العاده برای نشر وقائع و فرهنگ و ثقافت دارد و اسلام مانع علوم جدید و حفظ آثار تاریخی و در البوم عکس نیست.

قابل تذکر است، مسلمانان عکس های برهنه خانوادگی شان را روی صفحات مجازی نگذارند، این عمل نه تنها سبب کشف اسرار خانواده است، سبب فتنه و فساد در جامعه نیز می شود. هر خانواده اسرار خاص بخود دارد که باید حفظ شود. عکسهای که در شب های عروسی گرفته می

شود، مناظر خلاف اسلام پخش می شود، این فلم ها دست بدست برای تمام مردم میرسند، باید از نشر آن جلوگیری شود. بهتر است برای مهمانان اجازه آوردن کمره در داخل محفل داده نشود.

آخر کلام :

بررسی قانون کار ساده و آسان نیست و بررسی کننده باید قدری از مسائل حقوقی را بداند در غیر آن ناممکن میباشد و اگر انجام هم شود خالی از نواقص نیست. بررسی یک بحث فقهی مشکل آن بیشتر از بررسی یک قانون است در بررسی بحث فقهی، باید انسان درایت کامل به مسائل فقهی داشته باشد، جائز و غیر جائز، حرام و حلال، سند حدیث، مقاصد آیات الهی و احادیث نبوی، اختلاف علماء و فقهاء را در بحث و بررسی بداند.

قانون وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر، چنانکه در مقدمه به آن اشاره شد، یک بحث کاملاً فقهی است، قانونگذاران در تدوین قانون متوجه مراجع بیشتر بودند و برای هر فقره مرجع معتبر از کتب فقه اسلامی آورده اند. تحلیل و تجزیه مراجع و منابع، و اثبات ضعف و قوت اسناد، استفاده صحیح از آنها کار ساده نیست.

بعد از نشر قانون، تعداد زیادی از هموطنان در مورد قانون در وسائل اجتماعی بحث های جالب داشتند و اما در مورد منابع و مراجع که در قانون ذکر شده سخن به میان نه آمد و مخالفت همه شفوی بود. قانون جدید نواقص زیاد دارد و بسیار طویل و با تفصیل است و طویل بودن و مفصل بودن در قانون نقص بزرگ است. تطبیق مواد قانون در جامعه معاصر افغانستان غیر ممکن است و محتسب در تطبیق مواد قانون در شهر های بزرگ مواجه به مشکلات فکری و حتی فزیکمی می شود.

امید است مسئولین وزارت عدلیه و وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر به نواقص و اصدار قانون باین شکل در وقت حاضر و در شرایط موجوده

افغانستان تجدید نظر کنند و پیش از اینکه مشکلات بیشتر شود، داخل اقدامات جسورانه شوند.

قانون در همه موارد و مواد، دایره را برای طبقه نسوان که بیشتر از نصف جامعه را می سازند تنگتر ساخته و کشورزندان بزرگ برای زنان میشود اگر مواد قانون اجراء شود. قوانین اسلامی بین زن و مرد در تکالیف دینی فرق نگذاشته است، آنچه برای مردان حرام است برای زنان نیز حرام است، و آنچه برای مردان حلال است برای زنان نیز حلال میباشد.

مراجع که در قانون در قسمت مقید ساختن نسوان استفاده شده اکثراً از آن منابعی گرفته شده که از میراث عقب گرائی امت اسلامی میباشد، در قانون بین شریعت و رسم و رواجهای افغانی تفاوت نشده، میتوان بصراحت گفت که قانون نمونه از فقه بدوی است. فقه بدوی در قانون تسلط کامل دارد.

در تدوین قوانین، خصوصاً آنچه ارتباط به نسوان میباشد، بهتر است خانم ها نیز اشتراک داشته باشند، تا توازن در قانون بوجود آید. متأسفانه این مردان هستند که برای زنان تصمیم می گیرند و این مردان هستند که بصفهت سخنگوی زنان عرض اندام می کنند.

میتوان گفت که زنان افغانستان میدان تجارت سیاسی شده اند، یک گروه از زنان زیر نام دفاع از حقوق زن در اروپا و امریکا فعالیت دارند و از این راه نان می خورند و هیچ نمایندگی از زنان افغانستان ندارند، اکثریت خاموش زنان داخل افغانستان و خارج آن از شریعت و قوانین اسلامی دفاع میکنند اما آوازشان شنیده نمی شود. برای زنان شریف افغانستان نه امارت اسلامی حق فعالیت را میدهد و نه هم جامعه جهانی.

در این تحقیق بیشتر آن مواد قانون بررسی شده که اهمیت بیشتر را داشت و سبب مشکلات سیاسی و حقوقی گردیده. بررسی تمام مواد قانون احتیاج بوقت بیشتر و تشکیل کمیته از فقهاء و قانوندانان دارد و کار انفرادی نیست. در مواد قانون مسائل خوب نیز است، قانون مسئولیتهای محتسب

را تعیین و مقید می سازد. به هر حال من به اندازه قدرت و توانا بشری خود مواد مهم در قانون را بررسی نمودم و امیدوارم در اشتباه نباشم. و یقین کامل دارم که مسئولین وزارت عدلیه و امر بالمعروف و نهی عن المنکر و علماء داخل نظام و خارج آن کار مرا بررسی و در اصلاح و نقد و حتی رد آن می کوشند و از نقاط مثبت آن البته اگر عقل سالم باشد استفاده خواهد شد.

فضل غنی مجددی / سپتمبر 2024